



حقوق زنان
شماره ۴۱

بهار و تابستان ۱۴۰۴
قیمت ۲۰۰,۰۰۰ تومان



شناسنامه:

حقوق زنان - فصلنامه فرهنگی اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول سردبیر:

اشرف گرامی‌زادگان

همکاران این شماره: آرزو عزیزی، سید محسن مقیمی،
فاطمه جعفری، ملیحه فلاح پور، روفیا تیرگری (دبیر هنری)،
شیرین ارباب بی‌کس، گالیا توانگر، لیلا صادقی، زهرا داورزنی

مدیر امور مالی و اجرایی: همایون کوچک‌زاده

طراح لوگو: استاد مرتضی ممیز

مشاور فنی: علیرضا فرزانی

مدیر هنری و طراح جلد: مریم فرزانی فرد

گرافیکست و صفحه‌ار: نسرين پاينده

چاپ: چاپ نظر

نشانی: تهران - خیابان ایرانشهر جنوبی - کوچه مهزاد - پلاک

۱۱ - واحد ۴۰۱

تلفن: ۸۸۳۱۸۹۴۹ - ۰۹۱۲ ۱۳۰۲۷۷۵

پست الکترونیکی: h_q_zanan@yahoo.com

سایت نشریه: www.hqzanan.org

* نویسندگان و مترجمان ارجمندی که مایلند آثارشان در
فصلنامه‌ی حقوق زنان انتشار یابد، به همراه مطالب،
درباره‌ی تحصیلات، شغل، آثار پژوهشی و ترجمه‌ی خود
توضیح کوتاهی ضمیمه کنند و یا رزومه‌ی خود را به
ایمیل نشریه ارسال نمایند.

* مطالب تایپ شده از طریق ایمیل به نشریه ارسال شود.
* مطالب ترجمه‌شده باید بایک نسخه از متن اصلی همراه باشد.
* لطفاً نسخه‌ای از مطلب خود را در پایگانی داشته باشید.
* حقوق زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
* هر گونه استفاده از مطالب و تصاویر اختصاصی نشریه‌ی
حقوق زنان منوط به کسب اجازه از مدیرمسئول است.
* حقوق زنان در موضوع فعالیت‌های آموزشی، اقتصادی،
اجتماعی و فرهنگی هنری، آگهی می‌پذیرد.

فهرست

* سرمقاله

■ آینده پیش روی کودکان ایران زمین؟! / مدیرمسئول / ۰۲

* جهت اطلاع

■ نگاهی به قانون حمایت از کودک و نوجوان در ایران / آرزو عزیزی / ۰۷

* کودکان و جامعه

■ نقد و بررسی تفاهنامه وزارت آموزش و پرورش و نیروی انتظامی

جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حقوق کودک و الزامات

کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک / سید محسن مقیمی / ۰۲۹

■ ضرورت آموزش محیط زیست به کودکان:

چرایی، چگونگی و پیامدهای بلند مدت / مهندس ملیحه فلاح پور / ۰۳۷

■ آموزش تخصصی کودکان عشایر

استان سیستان و بلوچستان / شیرین ارباب بی‌کس / ۰۴۳

■ حقوق کودکان کهپر خوردار در مددکاری اجتماعی:

چالش‌ها و راهکارها / فاطمه جعفری / ۰۵۰

* زنان و فرهنگ

■ سینما / روفیا تیرگری / ۰۶۶

■ اخبار سینما / ۰۷۴

■ داستان کوتاه: دختر خاله گیسو / کایا توانگر / ۰۸۳

■ داستان کوتاه: عروسکی با طرح لبخند / ۰۸۷

* بخش عربی / لیلا صادقی / ۰۹۲

* بخش انگلیسی / زهرا داورزنی / ۰۹۵

* فرم اشتراک مجله



اشرف گرامی‌زادگان

مدیرمسئول

آینده پیش روی کودکان ایران زمین؟!!

کودکان سرزمین ما، ایران، نسل جدیدی که در این آب و خاک به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، با چالش‌های متفاوتی روبرو هستند. آنها می‌توانند با فراز و فرودهایی که شاهدش بوده‌اند و با شرایط آینده خودشان را تطبیق دهند. اما سوال اینجاست که با پیچیده‌تر شدن شرایط کشور و شرایط کلی جهانی، این نسل چگونه می‌تواند هم ادامه حیات دهد و هم به رشد و بالندگی برسد؟

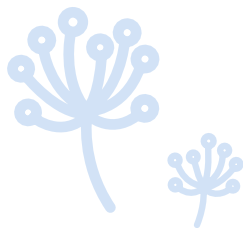
کودکان، فارغ از اینکه در چه سرزمینی به دنیا آیند، بنا به شرایط و اوضاع و احوال آن جامعه زیست می‌کنند. آداب و رسوم را از محیط خود فرا می‌گیرند. اصالت و توانمندی‌هایشان ناشی از محیط اطراف آنان است و طبیعتاً نقش محیط در شکل‌گیری آینده کودکان اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر محیط جامعه، نقش خانواده را نیز نباید نادیده گرفت. - هر چند که خانواده نیز در شرایط محیطی خود هم از محیط اطراف تأثیر می‌گیرد- در هر صورت کیفیت و کمیت زیستن هر فردی با مجموعه‌ای از شرایط موجود در پیرامونش پیوند دارد. کشور ما ایران سال‌هاست با مشکلات متعددی مواجه است. کلیات شرایط حاکم





اینجا ایران است. وطن. جایی که خانه تک تک ما ایرانیان است. زیر سقفش نفس می‌کشیم، می‌خواهیم و با روشنی صبح برمی‌خیزیم. می‌خواهیم که در این سرزمین درخت بکاریم و آنان را آبیاری کنیم تا سرسبز شود. می‌خواهیم محیط زیستمان را از هر نوع آلودگی پاک کنیم. می‌خواهیم فقر برود و رفاه بیاید. می‌خواهیم آرامش بیاید و غم برود.

مهم‌تر آن که دوست نداریم چه بر زبان و چه بر دل مردمان خوب سرزمینمان، صدای آه و افسوس بشنویم. ما به لبخند ایمان داریم و همه را شاد می‌خواهیم. آرزو برایمان عیب نیست. هر صبحگاه به آسمان چشم می‌دوزیم و خواهان بهترین‌ها هستیم. ما مردم ایران، سری پر از فکر و ایده‌های ناب داریم.



افرادی می‌گویند که دیگر نمی‌توانیم رنگ خوشی و آسایش ببینیم. چون واقعیات و ابربحران‌ها پیش رویمان است و قابل مشاهده. کمی به اطراف نگاه کنید. کو لبخند؟ کو نشاط؟ چرا آمارها نگران کننده است؟ آیا فرصتمان به سر آمده است. شاید هم حق دارند ولی این سرزمین نسلی دارد که باید برایشان آینده را ساخت. اگر ما زیستیم و نقد هم کردیم ولی گوشه‌ها هر چند که شکوه و نقد هم کردیم ولی گوشه نشینید- ولی کودکان سرزمینمان که نباید تن به این معضلات بدهند و از آینده نا امید شوند. باید مجدد بسازیم. اما ساخته‌هایی که موجب آسایش و آرامش فرزندانمان شود. مشکل این

بر کشور، از جمله چالش‌ها، تنش‌ها و بحران‌ها برای مردم و مسئولین پوشیده نیست و بدیهی است که نفی معضلات و مشکلات متعدد موجود خردمندانه نیست!

بحران‌های عمیق اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی و سیاسی به شکلی است که مردم در فضای عمومی به شکلی دائم و همیشگی در حال دست و پنجه نرم کردن با آنها هستند و مسئولان باید بپذیرند که مردم به این شرایط که هر روز در پیرامون خود می‌بینند، آگاه هستند. آنها با گوشت، پوست و استخوانشان درد را تجربه می‌کنند و زخم‌های نشسته بر رخسار و تن خود را حس می‌کنند. اکثریت مردم ایران علیرغم انتظارات و وعده‌هایی که به آنان داده بودند تا به پیشرفت و رفاه برسند، در بسیاری از موارد فقط و فقط شاهد پسرفت کشور و عقب افتادن از مسیر رشد و پیشرفت بوده‌اند.



مردم واقعیات را می‌بینند و شاهد هستند، با هیچ زبان و ادبیاتی نمی‌توان به مردم آگاه گفت که نه ببینید و نه بشنوید. تداخل موضوع‌های مختلف زیستی، آنچنان در زندگی‌ها رخنه کرده است که همه امور رنگ سیاست گرفته و قابل تفکیک نیست. ساده‌ترین کارهای روزانه مثل آب خوردن، قدم زدن در خیابان، انتخاب پوشش و حتی نگاه کردن و حرف زدن و....

سیاست در ایران نقش پهرنگی دارد که به نظر می‌رسد همه‌ی موضوعات مفهوم سیاسی گرفته است. آیا این شکل از زندگی مطلوب است؟ آیا همه مردم در همه جوامع، همین شرایط را دارند؟





که این مسئله مهم کشوری را در اینجا واکاوی کنیم، چون خلاء و کمبود در حوزه کودکان فراوان است. آنان که حس می‌کنند و واقع‌بین هستند، می‌دانند که اگر داده‌های آماری را ببخواهیم زیر و رو کنیم چه خواهد شد! و چه تصویر ویرانگری را به نظاره خواهیم نشست، فقر، بیسوادی، سوءتغذیه، نداشتن پرورش و آموزش شایسته و ده‌ها خلاء دیگر در حوزه کودکان رو به فزونی است. قلم از بیان ادامه دردها عاجز است.

واقعیت تلخ امروز جامعه نه برای شهروندان و نه برای نسل آینده ما قابل تحمل نیست. سؤال این است: چه کسانی باید جلوی فاجعه پیش رو را بگیرند؟ آیا برنامه‌ای هست؟ آیا اراده‌ای هست؟ آیا آمیدی هست؟ چرا کسانی که مسئولند، ساکتند؟

این شماره و این سرمقاله یک تلنگر کوچک به افرادی است که هنوز وجدانشان بیدار است، بهوش باشید. نسل آینده ایرانی را دریابید!

است که به هر نقطه‌ای دست بگذارید خار و خس‌ها شما را زخمی می‌کند. زخمی که نه فقط جسم بلکه روح شما را می‌آزارد. وقتی روح آزار ببیند درمانش با مُسکن نیست. آن زخم ریشه می‌کند و تا اعماق جسم و روح می‌رود و تو را می‌سوزاند. آنوقت دیگر چه درمانی؟ این زخم‌ها درمان هم دارد؟

آمار می‌گوید که جمعیت ایران به ۹۱ میلیون نفر رسیده است و یک پنجم جمعیت کشور را کودکان زیر ۱۲ سال تشکیل می‌دهند. تاسف انگیزتر این که حدود ۱۰ درصد آنها دچار کم‌وزنی و حدود ۱۵ درصد دچار سوء تغذیه هستند (ایسنا ۱۶ مهر ۱۴۰۱، گفتگو با استاد شهلا کاظمی پور جمعیت شناس). تعداد این ۱۲ ساله‌ها ۱۸ میلیون نفر است و به تفکیک جنسیت حدود ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر پسر و حدود ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر دختر می‌باشند. این گوشه ای از آماری است که در طی چند سال اخیر با کم و بیش تغییراتی بیان شده است. هر چند که اساتید جمعیت‌شناسی مکرر در سنوات مختلف در گفتگوهای خود با اشاره به کودکان بازمانده از تحصیل و یا افزایش کودکان کار و خشونت به کودکان دغدغه‌های خود را بیان کرده‌اند ولی اکنون قصد این نیست



جنگ، صلح و وطن، خانه عزیزما

اشرف گرامی زادگان

ضرورتی نیست که از قدمت و تمدنی بگوییم که سالیان متمادی است در آغوش آن زندگی می‌کنیم. وطنی که ایران بانو خوانده می‌شود و وطنی که نه تنها بیشتر مکان‌های آن را زیارت کرده‌ایم بلکه سرزمینی که عطرش در تار و پود روح و تن همه ما جاری است. سرزمینی با چهار فصل، زیبا و متنوع و اقوامی دلیر و پایدار و صدها نعمت خدادادی.

به عنوان یک نگارنده، این وطن را عاشقانه دوست دارم و تمام خدماتم در این خاک زرخیز به خاطر سرزمین اجدادی و شهروندان نجیب آن بوده است. این که هنوز می‌نویسم و کنکاش می‌کنم که چه اتفاقاتی برای این دردانه ممکن است بیفتد، حس غریبی دارد. نمی‌دانم چرا این دل بیقرار چند سالی است در غم احتمال از دست رفتن‌ها دیگر تاب ندارد.

بی‌شک این سخن همه شهروندانی است که در گوشه گوشه این خاک زیست می‌کنند. تاریخ می‌گوید باید به سرزمین وفادار بود و برای بهتر بودن حال خوب آن، تلاش کرد. همانگونه که این سرزمین بر سر





دستیابی به صلح جهانی و حل اختلاف‌های بین‌المللی معرفی کرده‌اند، صرفاً یک دشمنی و یا اختلاف دیدگاه تلقی شود و یا این که راهبرد و راهکارهای کم خطرتری نیز وجود دارد؟ آیا این همه نشست‌های بین‌المللی و یا تدوین کنوانسیون‌ها و میثاق‌های جهانی نمی‌تواند مسیری را هموار کند تا مردم هر سرزمینی به حقوق انسانی خود در مسیر بهبود زندگی و کسب حق حیات دست یابند؟ این بی‌عملی جهانی، به کشورهای صاحب قدرت و یا دردسر ساز جهانی این حق را می‌دهد که با هر بهانه، مردم جهان را در مسیر نابودی قرار دهند؟

مردم ایران به صلح می‌اندیشند و از جنگ نفرت دارند چون قبلاً با هجوم همسایه، صدها جوان، زن و کودک و خانه را از دست داده‌اند. به نظر نگارنده، ضرورت رسیدن به صلح با گفتگوی سالم و سازنده عملی خواهد بود. دیده‌ایم که در دو جنگ جهانی چه نتایج منفوری برای سرزمین‌ها و مردم جهان پیش آمده است. تکرار جنگی دیگر با این وسعت تخریب انسانی و زیستی عقلائی است؟

هجوم دشمن همسایه، خون‌ها داد و هنوز هم جان‌های پاک‌ی را بر سر جنگ از دست می‌دهد. بازماندگان در جنگ باید از اولین جنگ چهل و اندی سال نخستین، یک تحلیل بی‌طرفانه ارائه می‌دادند و ضعف‌ها و قوت‌ها را بررسی می‌کردند و این که چه راهبردی پیش رویمان باشد تا بتوانیم از تکرار مکرر هجوم به سرزمینمان، پیشگیری کنیم.

حملات مسلحانه اسرائیل به ایران مورخ ۲۳ خرداد تا ۳ تیرماه ۱۴۰۴ که به جنگ ۱۲ روزه در ایران شهرت یافت از طرف همه مردم ایران محکوم شد چون نه تنها حریم سرزمین ما مورد هجوم قرار گرفت و به تمامیت ارضی ما اهانت شد که این حمله خود نقض آشکار قوانین بین‌المللی بود. در این جنگ نظامیان، افراد غیرنظامی و عادی مردم اعم از مرد، زن و کودک هم یا آسیب دیدند و یا شهید شدند. این تلخی گزنده، زخمی است که درمان آن سخت است! این واژه سخت را آسان مپندارید! در عمق آن کلمه‌ای به نام سرسختی و عدم فراموشی است که شرحی ناگفته دارد!

این درگیری مسلحانه به عنوان تشدید دشمنی چندین دهه‌ای بین ایران و اسرائیل تلقی شده است! اما آیا چنین اختلافاتی باید از دید جهانیان و بنیان سازمان ملل متحد که خود را به هدف





آرزو عزیزی

وکیل پایه یک دادگستری،
کارشناس مددکاری اجتماعی،
کارشناس ارشد حقوق بین الملل

نگاه به قانون حمایت از کودک و نوجوان در ایران

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ نخستین قانونی بود که به طور خاص به کودک آزاری پرداخت. این قانون، آزارهای جسمی، روانی و جنسی وارده به کودک را مستقلاً تحت عنوان کودک آزاری جرم انگاری نمود لکن ضعف‌های قانون سال ۸۱ در حمایت از کودکان به مرور مشخص گردید. تدوین لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، با توجه به ضعف‌های قوانین سابق، در سال ۱۳۸۶ در قوه قضائیه خاتمه یافت و لایحه در همان سال به دولت ارسال شد. دولت با نزدیک به سه سال تأخیر در سال ۱۳۹۰ لایحه را با اعمال تغییراتی به مجلس شورای اسلامی ارسال نموده و مجلس شورای اسلامی پس از ۹ سال سرانجام به دنبال فشارهای اجتماعی، لایحه را در تاریخ ۱۳/۰۳/۱۳۹۹ با رفع چندین باره ایرادات شورای نگهبان تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تصویب نمود.



و در ادامه ایرادات قانون را جهت کاهش ضعف‌های آن توضیح دهیم:

۱. توجه به حقوق بنیادین کودکان و نوجوانان

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ با رویکردی جامع، حقوق بنیادین کودکان را شامل مواردی همچون حفاظت از جان و مال، آموزش، آزادی بیان و برخورداری از شرایط مناسب رشد در نظر گرفته است. این قانون به‌ویژه در زمینه پیشگیری از سوءاستفاده‌های جنسی، فیزیکی و روانی در زندگی کودکان، سازوکارهایی را ایجاد کرده است که باعث کاهش وقوع چنین مواردی می‌شود^۱ (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰).

۲. ایجاد نهادهای حمایتی و تقویت شبکه‌های اجتماعی

یکی از جنبه‌های مثبت این قانون، تأکید بر ایجاد و تقویت نهادهای حمایتی مانند مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی است. طبق گزارش سازمان بهزیستی، این نهادها

قانون حاضر به عنوان قانونی در خصوص حمایت از کودکان، نکات قابل تأملی دارد که در عمل می‌تواند منجر به ارتقای وضعیت کودکان شود، اما تغییراتی که در روند تصویب لایحه ایجاد شد چالش‌هایی را در تأثیرگذاری قانون جدید ایجاد می‌کند. به ویژه آنکه کودک‌آزاری یک پدیده جدی و چند بعدی است که می‌تواند تأثیرات عمیق بر روی کودک و خانواده داشته باشد. ابعاد اصلی این مسئله جسمی، عاطفی، جنسی، اجتماعی، آموزشی، بوده، بنابراین برای حمایت از کودکان و نوجوانان در جامعه نه تنها نیازمند حمایت قانون‌گذار هستیم، بلکه حمایت نهادهای دولتی، فرهنگی و تمامی افراد یک جامعه را نیاز داریم.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ در اجرا و عملیاتی شدن با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه است که نیازمند بررسی دقیق است. این مقاله به تحلیل و نقد این قانون با توجه به جنبه‌های مختلف آن می‌پردازد و به منابع موجود در زمینه حقوق کودک اشاره خواهد داشت.

در ابتدا برای درک بهتر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹ لازم است نقاط قوت این قانون را اجمالاً بررسی کنیم





تدابیر خاص برای حفاظت از هویت کودکان در مراحل دادرسی، از جمله موارد مهم در این زمینه است.^۳ (زراعت‌پیشه، ۱۴۰۰).

۴. تأکید بر آموزش و فرهنگ‌سازی در جامعه

یکی از جنبه‌های نوین این قانون، تأکید بر آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی در زمینه حقوق کودک است. این اقدامات شامل برنامه‌های آموزشی در مدارس و در خانواده‌ها می‌شود تا جامعه نسبت به حقوق کودکان آگاه‌تر شده و از وقوع آسیب‌ها و سوءاستفاده‌ها جلوگیری کند.^۴ (نجفی، ۱۴۰۱)

می‌توانند با ارائه خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی به کودکان و خانواده‌ها، از وقوع آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کنند.^۲ (بهزیستی، ۱۴۰۱).

۳. تقویت حقوق کودک در دستگاه قضائی

قانون ۱۳۹۹ در زمینه حمایت از حقوق کودکان در دستگاه قضائی نیز گام‌های مثبتی برداشته است. به‌طور مثال، ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به مسائل کودکان و نوجوانان و نیز گنجاندن



ایرادات شکلی

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹

۱. ابهام در صلاحیت مراجع قضایی

- قانون به طور روشن مشخص نکرده کدام مراجع برای رسیدگی به جرایم خاص علیه کودک صلاحیت دارند (دادگاه کیفری، دادگاه خانواده، دادرای اطفال یا دادرای عمومی؟)
- در چه مواردی پلیس اطفال وارد عمل می‌شود و با چه اختیاراتی؟
- نتیجه: در عمل، پرونده‌ها ممکن است به مراجع متفاوتی ارجاع داده شود، که باعث سردرگمی، اطاله دادرسی و حتی نقض حقوق کودک می‌شود.

۲. تعارض با قوانین دیگر

الف) موارد تعارض قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۱ با قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۱ و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ هر دو در راستای حمایت از کودکان و نهاد خانواده وضع شده‌اند، اما در برخی موارد دچار تعارض، تداخل یا ناهماهنگی هستند. این تعارض‌ها ممکن است در اجرای قانون باعث ابهام، اطاله دادرسی یا نقض حقوق کودک شود. در ادامه، مهم‌ترین موارد تعارض این دو قانون را به تفصیل بررسی می‌کنیم:

۱- تعارض در مرجع صلاحیت‌دار رسیدگی به وضعیت کودک

موضوع	قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱	قانون حمایت از کودک نوجوان ۱۳۹۱	تعارض
صلاحیت مراجع قضایی	صلاحیت رسیدگی را به دادگاه خانواده می‌دهد	به مراجع قضایی کیفری (دادسرا، دادگاه اطفال) ارجاع می‌دهد	در مواردی مثل سلب حضانت، کودک‌آزاری یا سهل‌انگاری والدین مشخص نیست کدام دادگاه صلاحیت دارد

مثال: در مورد کودک‌آزاری، دادگاه کیفری وارد می‌شود، اما اگر بحث سلب حضانت به میان آید، دادگاه خانواده باید تصمیم بگیرد. این دوگانگی در عمل مشکل‌ساز است.



۲- تعارض در معیار حضانت و صلاحیت والدین

- قانون حمایت از خانواده ملاک اصلی را مصلحت کودک می‌داند، اما آن را در چارچوب عرف و شرع بررسی می‌کند.

- قانون حمایت از کودک (۱۳۹۹) نیز به «مصلحت کودک» اشاره دارد، اما صراحت بیشتری در مورد سلب حضانت در موارد آزار و بی‌توجهی دارد.

با این حال، معیارهای سلب حضانت بین دو قانون هماهنگ نیست و ممکن است باعث صدور آرای متناقض شود.

۳- مداخله نهادهای حمایتی

نهاد	در قانون حمایت از کودک ۱۳۹۹	در قانون حمایت خانواده ۱۳۹۹
بهزیستی، پلیس، اورژانس اجتماعی	نقش فعال در مداخله حمایتی، بازداشت والد آزارگر، گزارش‌دهی اجباری	نقشی ندارند یا نقش محدود دارند

این تفاوت باعث می‌شود در جریان رسیدگی به اختلافات خانوادگی (مثلاً حضانت یا ملاقات)، نقش نهادهای حمایتی نادیده گرفته شود یا میان دو مرجع اختلاف پیش آید.

۴- ابهام در برخورد با کودک در معرض آسیب

قانون ۱۳۹۹ کودکان در معرض آسیب یا بزه‌دیده را به شکل گسترده تعریف کرده و برایشان تدابیر حمایتی پیش‌بینی کرده است.

قانون حمایت خانواده چنین طبقه‌بندی‌ای ندارد و ابزار خاصی هم برای مداخله حمایتی پیش‌بینی نکرده.

نتیجه: اگر کودک در دعوای خانوادگی در معرض آسیب باشد، قاضی خانواده الزام یا ابزاری برای حمایت فوری از او ندارد، مگر آنکه به قانون سال ۱۳۹۹ استناد کند که خارج از صلاحیت ذاتی‌اش است.



۵- دوگانگی در رویه دادرسی

قانون حمایت از کودک	قانون حمایت خانواده
آیین دادرسی کیفری (رسیدگی با حضور مددکار، روان‌شناس، پشت درهای بسته)	آیین دادرسی مدنی (عمومی بودن جلسات دادگاه)

این تفاوت می‌تواند کودک را در معرض آسیب بیشتر قرار دهد، مثلاً اگر کودک باید در دادگاه خانواده (در جلسه‌ای عمومی) علیه یکی از والدین شهادت دهد.

ب) موارد تعارض قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

هر دو قانون در حوزه‌ی کیفری به موضوع کودک پرداخته‌اند، اما با یکدیگر تعارض‌ها، تداخل‌ها و ابهاماتی دارند که در عمل موجب ناسازگاری در رسیدگی کیفری، تفاوت در مسئولیت کیفری کودک، و اجرای ناعادلانه احکام می‌شود.

در ادامه مهم‌ترین موارد تعارض بین این دو قانون را به‌صورت تفصیلی بررسی می‌کنیم:

۱- تعارض در سن مسئولیت کیفری

تعارض	قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)	قانون حمایت از کودک (۱۳۹۹)
یک کودک ممکن است طبق یک قانون بزه‌دیده، و طبق قانون دیگر «بزرگسال بزه‌کار» شناخته شود	سن بلوغ شرعی را معیار مسئولیت کیفری می‌داند (دختر: ۹ سال قمری، پسر: ۱۵ سال قمری)	در بیشتر مواد، کودکان زیر ۱۸ سال را تحت حمایت می‌داند

مثال: دختری ۱۰ ساله که مرتکب جرم شود، طبق قانون مجازات اسلامی می‌تواند مشمول مجازات حد یا قصاص باشد، در حالی که طبق قانون ۱۳۹۹ کودک و نیازمند حمایت است.





۲- تفاوت در مجازات‌ها و واکنش‌ها نسبت به بزه‌دیدگی کودک

قانون حمایت از کودک، مجازات‌های تربیتی، حمایتی و پیشگیرانه را پیشنهاد می‌دهد.

در قانون مجازات اسلامی، تمرکز بیشتر بر مجازات‌های سنتی (حد، قصاص، دیه) است، حتی برای کودکان بزه‌دیده یا مرتکب این باعث می‌شود در برخی موارد، حمایت از کودک در تضاد با نوع مجازات سنتی و سنگین قانون مجازات اسلامی قرار گیرد.

۳- سکوت قانون مجازات اسلامی درباره کودک‌آزاری روانی و جنسی

نوع آزار	قانون مجازات اسلامی	قانون حمایت از کودک
روانی	جرم‌انگاری نشده یا بسیار کلی	جرم‌انگاری شده (ماده ۹ و ۱۰)
بی‌توجهی آموزشی، تغذیه‌ای، عاطفی	عمدتاً مسکوت	جرم‌انگاری شده
آزار جنسی غیرمستقیم یا لمس بدن	تنها در صورت وقوع زنا یا لواط	به صراحت ممنوع و جرم‌انگاری شده

نتیجه: اگر یک کودک مورد لمس نامناسب قرار گیرد اما عمل مصداق زنا نباشد، در قانون مجازات اسلامی جرم محسوب نمی‌شود، اما در قانون ۱۳۹۹ جرم است.



۴- برخورد متفاوت با کودک بزهکار در جرایم حدی و قصاص

طبق قانون حمایت از کودک، افراد زیر ۱۸ سال باید با رویکرد حمایتی و تربیتی مواجه شوند.

● طبق ماده ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی: کودکان نابالغ مسئول کیفری نیستند.

● اما افراد بالغ شرعی زیر ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرم حدی یا قصاص، در برخی موارد قابل مجازات با مرگ هستند.

مثال: احکام قصاص برای نوجوانان زیر ۱۸ سال که در سازمان‌های بین‌المللی مورد اعتراض قرار گرفته‌اند.

۵- تفاوت در نوع جرم‌انگاری (جرایم ترک فعل)

قانون حمایت از کودک، ترک وظایف والدین مانند ترک تحصیل، سوءتغذیه، بی‌توجهی روانی را جرم‌انگاری کرده است.

در قانون مجازات اسلامی، این موارد اساساً جرم محسوب نمی‌شوند مگر آنکه به آسیب شدید منجر شوند.

بنابراین، والدینی که از فرستادن فرزند خود به مدرسه خودداری کنند، تنها در قانون ۱۳۹۹ مسئول‌اند، نه در قانون مجازات.



۳. عدم تعیین رویه دادرسی اختصاصی کودک

- آیین دادرسی ویژه‌ای که باید با حضور روان‌شناس، مددکار و به دور از فضای تهدیدآمیز باشد، به‌صورت کامل در قانون نیامده است.
- شرایط بازجویی، نحوه احضار، بازداشت، یا حضور در دادگاه برای کودک مشخص نیست.
- این موضوع برخلاف استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک است (مثل مجموعه قواعد حداقل سازمان ملل درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری صغار موصوف به قواعد بیجینگ و پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹)

۴. نبود نقش فعال برای نهادهای مدنی:

قانون هیچ جایگاهی برای:

- سازمان‌های مردم‌نهاد
- انجمن‌های حقوق کودک
- وکلای داوطلب

در فرآیند رسیدگی یا نظارت در نظر نگرفته است.

در حالی که در بسیاری از کشورها، NGOها می‌توانند در روند حمایت از کودک مداخله کنند یا از جانب او شکایت کنند.

نبود نقش فعال برای نهادهای مدنی (NGOs، سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها، مؤسسات خیریه و تخصصی کودکان) در قانون حمایت از حقوق کودک و نوجوان مصوب ۱۳۹۹، یکی از مهم‌ترین نواقص ساختاری این قانون است؛ و این موضوع تأثیرات مستقیم و منفی بر تحقق حقوق کودکان و نوجوانان دارد. در ادامه، این تأثیرات را تحلیلی، نظام‌مند و مستند به اصول حقوق کودک بررسی می‌کنم:

۱- کاهش ظرفیت نظارتی مستقل بر عملکرد نهادهای دولتی

- نهادهای مدنی می‌توانند عملکرد نهادهای دولتی مثل بهزیستی، آموزش و پرورش، نیروی انتظامی و دادگستری را پایش، نقد و اصلاح کنند.
- اما قانون ۱۳۹۹ هیچ جایگاه حقوقی مؤثری برای آنها قائل نشده.
- نبود این ظرفیت نظارتی، منجر به ضعف شفافیت، تکرار تخلفات و نبود پاسخ‌گویی نهادهای رسمی در زمینه حقوق کودک می‌شود.





۲- حذف صدای مستقل کودک در فرآیندهای تصمیم‌گیری

- نهادهای مردمی معمولاً نماینده واقعی مطالبات، تجربیات و مشکلات کودکان هستند.
 - در نبود آنها، صدای کودک در نظام سیاست‌گذاری و دادرسی خاموش یا فیلتر شده است.
- مثال: کودکی که در خانه یا مدرسه آسیب می‌بیند، شاید تنها با کمک یک مؤسسه خیریه بتواند به دادگاه شکایت برسد. اما این نقش در قانون پیش‌بینی نشده.

۳- ناکارآمدی در شناسایی و گزارش موارد کودک‌آزاری

- سازمان‌های مردم‌نهاد در نقاط محروم، حاشیه‌نشین یا آسیب‌پذیر، بیشترین دسترسی مستقیم به کودکان در معرض خطر را دارند.
 - قانون ۱۳۹۹ این سازمان‌ها را ملزم یا مجاز به گزارش‌گری یا مداخله نکرده است.
- نتیجه: بسیاری از موارد کودک‌آزاری، ازدواج کودک، ترک تحصیل، سوءتغذیه و... اصلاً کشف نمی‌شوند

۴- کاهش مشارکت اجتماعی در دفاع از حقوق کودک

- حضور نهادهای مدنی باعث گسترش آگاهی عمومی، آموزش خانواده‌ها، فرهنگ‌سازی و ارتقاء گفت‌وگو اجتماعی می‌شود.



● قانون ۱۳۹۹ فاقد هرگونه سازوکار همکاری رسمی یا وظیفه مشترک با سازمان‌های مردم‌نهاد است.

نتیجه: روند اجتماعی‌شدن حمایت از کودک کند و منفعل باقی می‌ماند.

۵- وابستگی انحصاری به دولت و نهادهای رسمی

قانون ۱۳۹۹ تقریباً تمامی وظایف را به:

- سازمان بهزیستی
- دادستانی
- نیروی انتظامی
- آموزش و پرورش

سپرده است. در حالی که در بسیاری کشورها، نهادهای مدنی در پشتیبانی، درمان، مشاوره، آموزش، پناه دادن و حتی وکالت کودک مشارکت دارند.

۵. ابهام در روند مداخلات حمایتی

قانون به برخی مداخلات حمایتی (مثل بازگرداندن کودک به خانواده، سلب حضانت، سپردن به مراکز بهزیستی) اشاره دارد، اما روند اجرایی، ضوابط و مراجع تصمیم‌گیرنده آنها را روشن نکرده است

برای مثال:

● آیا قاضی بدون نظر کارشناسی بهزیستی می‌تواند کودک را به والدین بازگرداند؟

● چه نهادی مسئول نظارت بر اجرای حکم حمایتی است؟



۶. نبود سامانه یکپارچه قضایی کودک

- هیچ‌گونه سیستم یا سامانه رسمی برای پیگیری وضعیت کودک در فرآیند دادرسی یا اجرای احکام در نظر گرفته نشده است.
 - این باعث گم شدن اطلاعات، تعارض در اقدامات نهادها و آسیب بیشتر به کودک می‌شود.
- خلاصه ایرادات شکلی در جدول:

شماره	ایراد شکلی	توضیح
۱	ابهام در صلاحیت قضایی	مشخص نبودن مرجع رسیدگی (دادگاه / دادرسرا)
۲	تعارض با قوانین دیگر	تداخل با قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری
۳	نبود آیین دادرسی اختصاصی کودک	فقدان فرآیند مناسب و استاندارد برای کودکان
۴	حذف نقش نهادهای مدنی	بی‌توجهی به نقش سمن‌ها و مدافعان حقوق کودک
۵	ابهام در روند حمایت	مشخص نبودن مراحل اجرایی حمایت از کودک
۶	نبود سامانه یکپارچه	ناهماهنگی اطلاعات و اقدامات نهادهای مسئول



ایرادات ماهویی یا محتوایی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹

قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹ یکی از مهم‌ترین قوانین حمایتی پس از انقلاب اسلامی در حوزه حقوق کودک است. با این حال، این قانون علیرغم نقاط قوتی مانند شناسایی کودک‌آزاری به عنوان جرم عمومی، دارای ایرادات محتوایی و ماهوی متعددی است که موجب ضعف اجرای مؤثر آن شده، در ادامه، این ایرادات را به‌صورت تفصیلی، مستند و منظم بررسی می‌کنیم.

۱- تعریف ناقص و متعارض از «کودک» و «نوجوان»

قانون ۱۳۹۹ در ماده ۱، تعریف «طفل» و «نوجوان» را از قانون مدنی گرفته:

● طفل: کمتر از ۱۸ سال

● تمایز جنسیتی در سن مسئولیت کیفری (بر اساس فقه)

اشکال ماهوی:

● تعریف کودک تابع قانون مدنی و فقه است؛ یعنی برای دختران ۹ سال، و پسران ۱۵ سال، سن مسئولیت کیفری شروع می‌شود.

● این سن با استانداردهای بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک (CRC) و قواعد بیجینگ در تعارض است.

۲- جرم‌انگاری ناقص و پراکنده انواع خشونت علیه کودک

قانون ۱۳۹۹ برخی مصادیق کودک‌آزاری را جرم‌انگاری کرده (مثلاً آزار جنسی، بهره‌کشی، سهل‌انگاری والدین).

اما هنوز مواردی مثل:

● ازدواج کودکان

● تنبیه بدنی در مدارس و خانه

● فقر آموزشی یا درمانی

● کودکان کار

به‌طور صریح و کامل جرم‌انگاری نشده‌اند.



اشکال ماهوی:

تعریف کودک تابع قانون مدنی و فقه است؛ یعنی برای دختران ۹ سال، و پسران ۱۵ سال، سن مسئولیت کیفری شروع می‌شود.

۳- نبود تعریف جامع از «کودک در معرض خطر»

در ماده ۳ کودک در معرض خطر تعریف شده، اما این تعریف: کلی، مبهم و بدون شاخص‌های روشن است و ضمانت اجرای کافی برای شناسایی یا حمایت از چنین کودکانی ندارد.^۵

نتیجه: تفسیر قضایی سلیقه‌ای می‌شود، و کودکان در شرایط واقعی ممکن است از چتر حمایتی قانون خارج شوند.

۴- بی‌توجهی به حق مشارکت کودک

بر خلاف کنوانسیون حقوق کودک، قانون ۱۳۹۹ به:

- حق شنیده‌شدن کودک در تصمیمات مربوط به خودش
 - مشارکت کودک در دادرسی، زندگی خانوادگی و اجتماعی
- هیچ توجهی نکرده است.

ایراد ماهوی: کودک همچنان موضوع انفعالی و غیرمشارکت‌پذیر قانون تلقی می‌شود.

۵- سکوت درباره وضعیت کودکان خاص

قانون هیچ مقرره‌ای در خصوص حمایت خاص از گروه‌های زیر ندارد:

- کودکان دارای معلولیت
- کودکان مهاجر یا فاقد شناسنامه
- کودکان قربانی خشونت خانوادگی
- کودکان کار

۱. کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۳۲ و ماده ۳۴ بر لزوم ایجاد سازوکارهای حمایتی برای کودکان در معرض خطر تأکید دارد.



از جمله گروه‌هایی هستند که نیاز به حمایت‌های ویژه دارند. با این حال، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ به‌طور خاص به این گروه‌ها نپرداخته است.

۶- حمایت ناکافی از کودک در فرایند دادرسی

در قانون اشاره‌هایی به حضور مددکار یا گزارشگری هست، اما:

- دادرسی کودک‌محور و ترمیمی پیش‌بینی نشده
- حضور روان‌شناس، مترجم، مشاور یا وکیل کودک الزامی نیست
- نتیجه: کودک ممکن است در دادرسی، مجدداً قربانی آسیب روانی یا حقوقی شود.

۷- عدم پیش‌بینی تدابیر حمایتی جایگزین مجازات

در بسیاری کشورها، برای کودکان بزه‌کار یا آسیب‌دیده، به‌جای مجازات از تدابیر زیر استفاده می‌شود:

- اقامت حمایتی
- مشاوره اجباری
- کار داوطلبانه یا بازپرورانه
- میانجی‌گری اجتماعی
- اما قانون ۱۳۹۹ این موارد را پیش‌بینی نکرده یا الزام‌آور نیست.

۸- عدم تعیین تکلیف نهادی برای اجرای قانون

قانون مشخص نکرده چه نهادی مسؤول اجرای یکپارچه و پیگیری نقض حقوق کودک است و وظایف پراکنده است: بهزیستی، دادستان، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، وزارت بهداشت...

در نتیجه: اجرای قانون به شکل جزیره‌ای و غیرهماهنگ انجام می‌شود.



خلاصه ایرادات ماهوی

شماره	موضوع	ایراد ماهوی
۱	تعریف کودک	ناهمخوان با اسناد بین‌المللی
۲	جرم انگاری خشونت	ناقص، پراکنده و محدود
۳	کودک در معرض خطر	تعریف مبهم و غیرقابل اجرا
۴	حق مشارکت کودک	کاملاً مغفول
۵	گروه‌های خاص کودک	بدون حمایت ویژه
۶	دادرسی کودک محور	پیش‌بینی نشده یا ناکارآمد
۷	جایگزین‌های حمایتی	پیش‌بینی نشده یا اختیاری
۸	نهاد مسؤول اجرا	نامشخص، پراکنده و غیرپاسخگو



موارد تعارض قوانین در سطح بین‌المللی با قانون حمایت از کودک و نوجوان ۱۳۹۹

الف) نخستین سند جامع سازمان ملل : بیجینگ

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ گرچه گامی مثبت در راستای حمایت از حقوق کودک در ایران است، اما با استانداردهای بین‌المللی به‌ویژه قوانین (Beijing Rules - 1985) که نخستین سند جامع سازمان ملل در زمینه دادرسی ویژه نوجوانان بزهکار است، در مواردی تعارض یا فاصله قابل توجه دارد. مهم‌ترین موارد تعارض بین قانون حمایت از کودک و نوجوان ۱۳۹۹ با قواعد حداقل سازمان ملل برای دادرسی نوجوانان (قوانین بیجینگ) به شرح ذیل است



۱- تعارض در تعریف کودک و سن مسئولیت کیفری

مورد	قانون ۱۳۹۹ ایران	قوانین بیجینگ	تعارض
سن کودک	زیر ۱۸ سال	زیر ۱۸ سال	هماهنگ از نظر تعریف کلی
سن مسئولیت کیفری	تبعیت از ققه (۹ سال برای دختر، ۱۵ سال برای پسر)	توصیه به عدم تعیین سن پایین برای مسئولیت کیفری	هماهنگ از نظر تعریف کلی

بیجینگ تأکید دارد که سن مسئولیت کیفری باید منطقی و متناسب با رشد ذهنی کودک باشد. ایران همچنان از سنین پایین بر پایه بلوغ شرعی تبعیت می‌کند که مغایر با توصیه‌های جهانی است.



۲- عدم تأسیس نهادهای قضایی تخصصی برای کودک

- بیجینگ: Rules تأکید بر دادگاه‌های ویژه نوجوانان با قضات آموزش دیده
 - قانون ۱۳۹۹: چنین دادگاه‌هایی را پیش‌بینی نکرده یا صراحتاً الزام نکرده
- گرچه در آیین دادرسی کیفری ایران اشاراتی به «دادگاه اطفال» هست، اما در عمل نهاد قضایی ویژه و تربیتی کودک وجود ندارد.



۳- تمرکز قانون ۱۳۹۹ بر واکنش کیفری، نه بازپروری و بازاجتماعی‌سازی

قواعد بیجینگ	قانون ایران	مورد
تربیت، آموزش، بازپروری	مجازات، اصلاح، محرومیت	واکنش به جرم

بیجینگ توصیه می‌کند از ورود کودک به سیستم کیفری پرهیز شود؛ اما قانون ۱۳۹۹ هنوز در بسیاری موارد مجرمانه‌سازی و تنبیه را بر رویکردهای بازپرورانه ترجیح می‌دهد.

۴- عدم پیش‌بینی دادرسی ترمیمی و جایگزین‌های غیرکیفری

قوانین بیجینگ بر استفاده از روش‌هایی مانند:

- میانجی‌گری
- داوری اجتماعی
- دادرسی ترمیمی

تأکید دارد. در قانون ۱۳۹۹ این مکانیسم‌ها پیش‌بینی نشده‌اند.

بنابراین، ایران هنوز از مدل سنتی «جرم - مجازات» پیروی می‌کند، نه از رویکرد مدرن «اصلاح - بازپروری - ادغام اجتماعی».

۵- نبود مقررات دادرسی مجرمانه و غیرعمومی

- قوانین بیجینگ: جلسات دادرسی کودک باید مجرمانه، غیرعلنی، بدون لباس فرم پلیس یا بازداشت فیزیکی برگزار شود.
- قانون ۱۳۹۹: در این خصوص ساکت است یا ارجاع به آیین دادرسی کلی دارد.
- در بسیاری از موارد، کودک در روند دادرسی در معرض آسیب‌های روانی، شرمساری یا انگ اجتماعی قرار می‌گیرد، برخلاف قواعد بیجینگ.

۶- کم‌رنگ بودن نقش مددکار اجتماعی و روان‌شناس در فرایند رسیدگی

- در بیجینگ، حضور کارشناسان اجتماعی و روانی در تمام مراحل ضروری است.



● قانون ۱۳۹۹ صرفاً اشاره‌ای کلی به گزارش مددکاری دارد اما آن را الزام‌آور، مداوم یا مؤثر نمی‌داند



ب) پیمان نامه حقوق کودک

تعارضات میان پیمان نامه حقوق کودک (CRC) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام حقوقی ایران در حوزه کودکان است. با اینکه ایران در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳ میلادی) به پیمان نامه حقوق کودک پیوسته، اما در عمل، بسیاری از مفاد این معاهده بین‌المللی در قوانین داخلی از جمله قانون ۱۳۹۹ یا به صورت ناقص اجرا شده‌اند، یا با آن در تعارض‌اند. در ادامه، این تعارضات را به صورت تحلیلی و نظام‌مند ارائه می‌دهم:

مهم‌ترین موارد تعارض پیمان نامه حقوق کودک (CRC) با قانون حمایت از کودک و نوجوان ۱۳۹۹

۱- سن مسئولیت کیفری پایین در ایران

● پیمان نامه (ماده ۱): کودک، هر انسان زیر ۱۸ سال است.

● قانون ایران: تبعیت از فقه؛ سن بلوغ شرعی:

● دختر: ۹ سال قمری

● پسر: ۱۵ سال قمری

تعارض: کودک در ایران می‌تواند از ۹ یا ۱۵ سالگی محاکمه، مجازات و حتی اعدام شود، برخلاف توصیه‌های بین‌المللی مبنی بر تعیین حداقل سن معقول برای مسئولیت کیفری (مثلاً ۱۵ یا ۱۶ سال).



۲- عدم جرم‌انگاری ازدواج کودکان

- پیمان‌نامه (ماده ۱۹، ۲۴): دولت‌ها باید از کودک در برابر همه اشکال سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی و جسمی محافظت کنند.
- قانون ایران: ازدواج دختران با اجازه ولی و دادگاه از سن ۱۳ سال (و حتی پایین‌تر با مجوز) قانونی است.
- تعارض: ازدواج کودکان در ایران جرم نیست، در حالی که طبق CRC بهره‌کشی جنسی محسوب می‌شود.

۳- نبود حق مشارکت واقعی برای کودک

- پیمان‌نامه (ماده ۱۲): کودک حق دارد نظرش در تصمیمات مربوط به خود شنیده شود.
- قانون ۱۳۹۹: اشاره‌ای به مشارکت کودک یا شنیدن نظر او در دادرسی، سرپرستی، حضانت، پرونده‌های قضایی و اجتماعی نکرده است.
- تعارض: کودک در قانون ایران موضوع حمایت است، نه دارنده حق فعال.

۴- مجازات‌های سنگین برای کودکان (مثل اعدام یا قصاص)

- CRC (ماده ۳۷): اعمال مجازات‌های بی‌رحمانه مانند اعدام یا حبس ابد برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است.
- قانون ایران (بر اساس فقه): امکان اجرای قصاص یا اعدام برای نوجوانان بالغ شرعی وجود دارد.
- تعارض شدید: حتی اگر قانون ۱۳۹۹ چنین مجازات‌هایی را مستقیماً مطرح نکند، آنها در قوانین دیگر (مثل قانون مجازات اسلامی) همچنان پابرجاست و در عمل اجرا شده‌اند.

۵- نبود نظام دادرسی تخصصی کودک‌محور

- CRC (ماده ۴۰): دولت‌ها باید نظام دادرسی کیفری ویژه کودک ایجاد کنند که با سن، رشد و شخصیت کودک تناسب داشته باشد.
- قانون ایران: به‌رغم برخی اشارات به حضور مددکار و گزارش‌گری، دادگاه تخصصی اطفال و دادرسی ترمیمی الزامی نیست.
- تعارض: در عمل، کودک با نظام دادرسی بزرگسالان مواجه می‌شود.



۶- تبعیض جنسیتی در برخورد قانونی با کودکان

- پیمان نامه (ماده ۲): هیچ تبعیضی نباید بر اساس جنسیت، سن، مذهب، قومیت یا ... اعمال شود.
- قانون ایران: سن مسئولیت کیفری، حضانت، و بسیاری از حقوق کودکان بر اساس جنسیت متفاوت است.
- تعارض: تبعیض علیه دختران در بسیاری از موارد مشهود است (مثلاً سن ازدواج، سن کیفری).



نتیجه‌گیری:

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، به‌طور کلی یک گام مثبت در راستای حفظ حقوق کودکان است. تحقیقات کمیته حقوق کودک سازمان ملل نشان می‌دهد که در کشورهایی که حقوق بنیادین کودک به‌طور موثر اجرا می‌شود، کودکانی که از امنیت و مراقبت‌های ویژه برخوردارند، شانس بیشتری برای رشد سالم دارند. این نوع حمایت باعث می‌شود که کودکان در شرایط برابر با سایر افراد جامعه، توانمندی‌های خود را شکوفا کنند. با این حال، برای موفقیت کامل در حمایت از این قشر آسیب‌پذیر، لازم است که این قانون از لحاظ منابع مالی، هماهنگی بین نهادهای آموزش نیروهای اجرایی بهبود یابد. این تغییرات می‌تواند منجر به اجرای مؤثرتر این قانون و حمایت بیشتر از کودکان و نوجوانان در ایران شود. برای کاهش ابهام‌ها و افزایش دقت در اجرای قانون، باید مفاهیم کلیدی مانند «خشونت» و «سوءاستفاده» به‌طور دقیق‌تر و جامع‌تری در قانون تعریف شوند. این امر به قضات و دیگر مسئولان کمک می‌کند تا تصمیمات خود را بر اساس معیارهای ثابت و مشخصی اتخاذ کنند. دولت باید منابع مالی و انسانی لازم برای اجرای کامل این قانون را تأمین کند. این منابع باید شامل تأمین بودجه برای مراکز حمایتی و نیز آموزش و توانمندسازی نیروهای اجرایی باشد. ایجاد یک شبکه هماهنگ و یکپارچه میان نهادهای مختلف به‌زیستی، آموزش و پرورش، دادگستری و سازمان‌های غیردولتی می‌تواند منجر به ارائه خدمات به‌موقع و مؤثر به کودکان شود. ایجاد و تقویت نهادهای حمایتی نظیر مراکز مشاوره، مددکاری اجتماعی و سامانه‌های گزارش‌دهی آزار کودکان یکی از اقداماتی است که این قانون در دستور کار خود قرار داده است. این نهادهای به کودکان و خانواده‌ها



کمک می‌کنند تا در شرایط بحرانی از حمایت‌های قانونی، روان‌شناختی و اجتماعی بهره‌مند شوند.* طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO)⁷، فراهم‌آوری حمایت‌های روان‌شناختی و اجتماعی برای کودکان آسیب‌دیده از خشونت می‌تواند تا حد زیادی از عواقب منفی این آسیب‌ها بکاهد (2021 WHO). همچنین، بر اساس گزارش بهزیستی ۱۳۹۹، ایجاد این نهادها در سطوح مختلف کشور، به ویژه در مناطق محروم و آسیب‌پذیر، نقش بسزایی در کاهش آمار خشونت‌ها و حمایت از کودکان آسیب‌دیده داشته است (Behzisti Report⁸, 2020). قانون باید تدابیر ویژه‌ای برای گروه‌های خاص نظیر کودکان کار، کودکان دارای معلولیت و کودکان در معرض اعتیاد اتخاذ کند. این گروه‌ها نیازمند برنامه‌های حمایتی خاص و تخصیص منابع ویژه هستند. ارائه آموزش‌های تخصصی در زمینه حقوق کودک به قضات، مددکاران اجتماعی و دیگر نیروهای اجرایی از اهمیت زیادی برخوردار است. این آموزش‌ها باید شامل حقوق کودک، روان‌شناسی کودکان و شیوه‌های صحیح برخورد با کودکان آسیب‌دیده باشد. مجموعه‌ای از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی در سطح جهانی وجود دارند که به حمایت از حقوق کودک و نوجوان اختصاص دارند. مهم‌ترین این اسناد کنوانسیون حقوق کودک است که به عنوان پایه‌گذار حمایت‌های جهانی از حقوق کودک شناخته می‌شود. همچنین پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های دیگر مانند مبارزه با بهره‌کشی جنسی کودکان، مشارکت کودکان در جنگ‌ها، و حقوق معلولان، بخش‌های مختلفی از حمایت‌های حقوقی را برای کودکان در سطح جهانی فراهم کرده است. این معاهدات به کشورهای عضو توصیه می‌کنند که قوانین داخلی خود را بر اساس این اصول بین‌المللی تنظیم کنند و برای تأمین حقوق کودکان در جامعه‌شان اقدامات لازم را انجام دهند. لازم است قید شود ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۹۴ کنوانسیون حقوق کودک را امضا و آن را تصویب کرد و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ ایران تلاش دارد تا با توجه به استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک، حمایت‌های گسترده‌ای از کودکان و نوجوانان در برابر خشونت، آزار، بهره‌کشی، تبعیض و دیگر تهدیدات فراهم نماید. این قانون به وضوح اصلاحات خوبی را در این راستا در قانون جدید همسو با کنوانسیون حقوق کودک و دیگر معاهدات بین‌المللی تغییر داده و در تلاش است تا حقوق کودکان در ایران را در چارچوب استانداردهای جهانی تضمین کند، لذا جهت رسیدن به این هدف لازم است گام‌های دیگری در جهت رفع باقی ایرادات قانون سال ۱۳۹۹ بردارد تا تمام کودکان و نوجوانان این سرزمین با حمایت قانون رشد کرده و استعدادهایشان شکوفا گردد.

منابع:

۱. موسوی، م. و همکاران. (۱۴۰۰). «نقد و بررسی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: نقاط قوت و ضعف». *مجله حقوق کودک*.
۲. بهزیستی. (۱۴۰۱). «گزارش سالانه خدمت حمایتی به کودکان در ایران». *سازمان بهزیستی*.
۳. زراعت‌پیشه، ف. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بر حقوق قضایی کودکان». *فصلنامه حقوقی*.
۴. نجفی، ع. (۱۴۰۱). «رهنگ‌سازی حقوق کودک در مدارس: الزامات و چالش‌ها». *پژوهشگاه علوم اجتماعی*.

5. UNICEF. (2020). *State of the World' Children 2020*

6. WHO. (2021). *World Report on Disability*

7. Behzisti Report. (2020). *Annual Report on Child Protection Services in Iran*





سید محسن مقیمی

دانش آموخته

کارشناسی ارشد حقوق بشر

نقد و بررسی تفاهم‌نامه وزارت آموزش و پرورش و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

تفاهم‌نامه اخیر بین وزارت آموزش و پرورش و نیروی انتظامی ایران با هدف «ترویج نظم اجتماعی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، و تقویت امنیت مدارس» امضا شده است. درحالی که این اهداف به ظاهر مثبت تلقی می‌شوند، نگرانی‌های جدی درباره ماهیت، اجرا، و پیامدهای آن وجود دارد. این مقاله با استناد به مواد کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و نظرات کارشناسان آموزشی، به نقد محتوای این تفاهم‌نامه پرداخته و پیشنهادهای جایگزین ارائه می‌دهد.

◀ نقد محتوایی و پیشنهادهای جایگزین:

۱- تعریف مبهم «نظم اجتماعی» و خطر نظامی‌سازی مدارس

نقد:

ماده ۱ تفاهم‌نامه بر «ترویج نظم و انضباط اجتماعی» تأکید دارد، اما تعریف دقیقی از این مفاهیم ارائه نشده است. تجربه سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که عبارت‌هایی مانند «نظم اجتماعی» ممکن است بهانه‌ای برای مداخله پلیس در امور مرتبط با حجاب یا اعتراضات دانش‌آموزی باشد. این رویکرد با ماده ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک که بر حق آموزش غیرتبعیض‌آمیز و پرورش شخصیت مستقل کودک تأکید دارد، در تضاد است.

پیشنهاد جایگزین:

- جایگزینی مفهوم «نظم» با «توانمندسازی دانش‌آموزان» از طریق برنامه‌های آموزشی مبتنی بر گفتگو، مهارت‌های حل تعارض، و مشارکت دانش‌آموزان در تدوین قوانین مدرسه.
- تشکیل «شوراهای دانش‌آموزی» با اختیارات واقعی برای نظارت بر اجرای قوانین.



۲- ورود پلیس به محتوای آموزشی و کارگاه‌ها

نقد:

ماده ۳ تفاهم‌نامه، وزارت آموزش و پرورش را موظف می‌کند محتوای آموزشی مرتبط با «پلیس‌های تخصصی» (مانند پلیس فتا) را در کتاب‌های درسی بگنجانند. این رویکرد نه تنها بار آموزشی را از دوش معلمان کم‌تجربه بر می‌دارد، بلکه ممکن است به تحمیل گفتمان امنیتی به کودکان بینجامد. این موضوع با ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک (حق دسترسی به اطلاعات بدون محدودیت غیرضروری) و ماده ۱۴ (آزادی فکر و مذهب) مغایرت دارد.

پیشنهاد جایگزین:

- آموزش مهارت‌های دیجیتال و پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی توسط معلمان و روان‌شناسان آموزش‌دیده، نه پلیس.
- استفاده از روش‌های تعاملی مانند بازی‌های نقش‌آفرینی برای آموزش حقوق شهروندی.

۳- نقش پلیس در «نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزی» (نماد)

نقد:

طرح نماد که در ماده ۵ تفاهم‌نامه ذکر شده، با هدف شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر طراحی شده است. اما نگرانی وجود دارد که این سیستم به ابزاری برای نظارت گسترده و نقض ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک (حق حریم خصوصی) تبدیل شود.

پیشنهاد جایگزین:

- ایجاد «تیم‌های مشاوره مدرسه» متشکل از روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی، و معلمان با اولویت پیشگیری غیرقضایی.
- راه‌اندازی خطوط حمایتی محرمانه برای گزارش مشکلات دانش‌آموزان بدون دخالت نهادهای امنیتی.

ماده ۳ تفاهم‌نامه، وزارت آموزش و پرورش را موظف می‌کند محتوای آموزشی مرتبط با «پلیس‌های تخصصی» (مانند پلیس فتا) را در کتاب‌های درسی بگنجانند. این رویکرد نه تنها بار آموزشی را از دوش معلمان کم‌تجربه بر می‌دارد، بلکه ممکن است به تحمیل گفتمان امنیتی به کودکان بینجامد.





۴- فعالیت‌های فرهنگی پلیس در مدارس

نقد:

برگزاری نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های آموزشی توسط پلیس (ماده ۲ تفاهم‌نامه) ممکن است به جای آموزش مهارت‌های زندگی، بر رویکردهای امنیتی متمرکز شود. این امر با ماده ۳۱ کنوانسیون (حق تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی) ناسازگار است.

پیشنهاد جایگزین:

- توسعه برنامه‌های فرهنگی با مشارکت نهادهای مدنی و هنرمندان برای تقویت خلاقیت و تاب‌آوری دانش‌آموزان.
- برگزاری اردوهای علمی-تفریحی با هدف آشنایی غیرمستقیم با قوانین اجتماعی.

۵- پاکسازی محیط پیرامونی مدارس و خطر انگ‌زنی

نقد:

همکاری پلیس در «جمع‌آوری معتادین متجاهر و اشاعه‌دهندگان ناهنجاری‌های اجتماعی» (ماده ۳) ممکن است به ایجاد ترس و انگ اجتماعی برای دانش‌آموزان محلات حاشیه‌ای بینجامد. این رویکرد با ماده ۲ کنوانسیون (ممنوعیت تبعیض) و ماده ۳۹ (حق بهبودی پس از آسیب) مغایر است.

پیشنهاد جایگزین:

- اجرای طرح‌های جامعه‌محور با مشارکت ساکنان محله برای کاهش آسیب‌ها، نه رویکرد قهری
- تأسیس مراکز خدمات اجتماعی یکپارچه در نزدیکی مدارس برای ارائه کمک‌های درمانی و آموزشی به خانواده‌ها.



۶- پیامدهای روانی حضور پلیس در مدارس

نقد:

ماده ۸ تفاهم‌نامه همکاری با شبکه شاد برای انتشار هشدارهای پلیس را الزامی می‌کند. این اقدام ممکن است به جای ایجاد احساس امنیت، اضطراب و بی‌اعتمادی را در دانش‌آموزان تشدید کند. مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد حضور نمادهای امنیتی در محیط‌های آموزشی (مانند یونیفرم پلیس) می‌تواند **احساس ناامنی روانی** را افزایش دهد و فضای مدرسه را به محیطی شبیه «زندان» تبدیل کند. این مسئله با ماده ۱۹ **کنوانسیون حقوق کودک** (حق محافظت از خشونت روانی) در تضاد است.

پیشنهاد جایگزین:

- جایگزینی هشدارهای پلیس با کمپین‌های آموزشی مبتنی بر روان‌شناسی مثبت‌نگر، مانند آموزش «تاب‌آوری عاطفی» و «مدیریت استرس»
- استفاده از شخصیت‌های کارتون یا مشاوران مدرسه برای انتقال پیام‌های امنیتی به زبان کودکان

۷- نقش پلیس در آموزش والدین: تقابل با حریم خانواده

نقد:

بند ۲ ماده ۲ تفاهم‌نامه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی پلیس برای اولیای دانش‌آموزان در حوزه «پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» را الزامی می‌کند. این مداخله ممکن است به بهانه آموزش، **حریم خصوصی خانواده‌ها** را نقض کرده و روابط والد-فرزند را تحت الشعاع گفتمان امنیتی قرار دهد. این رویکرد با ماده ۵ **کنوانسیون حقوق کودک** (احترام به نقش والدین در تربیت) و ماده ۱۶ (حق حریم خصوصی) مغایرت دارد.



پیشنهاد جایگزین:

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط نهادهای مستقل روان‌شناسی خانواده با موضوعاتی مانند «الگوی ارتباط مؤثر با نوجوانان» یا «شناخت تغییرات هورمونی دوره بلوغ»
- ایجاد «مدرسه والدین» با محوریت دانشگاهیان و روان‌شناسان کودک، بدون دخالت نهادهای امنیتی.

طرح نماد که در ماده ۵ تفاهم‌نامه ذکر شده، با هدف شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر طراحی شده است. اما نگرانی وجود دارد که این سیستم به ابزاری برای نظارت گسترده و نقض ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک (حق حریم خصوصی) تبدیل شود.

۸- استفاده ابزاری از دانش‌آموزان در تبلیغات پلیس

نقد:

ماده ۸ تفاهم‌نامه همکاری با «باشگاه خبرنگاران دانش‌آموزی پلیس» و انتشار اخبار مرتبط با نیروی انتظامی را تشویق می‌کند. این امر ممکن است دانش‌آموزان را به ابزاری برای عادی‌سازی گفتمان امنیتی تبدیل کند و حق آزادی بیان آنان (ماده ۱۳ کنوانسیون) را زیر سؤال ببرد.

پیشنهاد جایگزین:

- توسعه روزنامه‌نگاری دانش‌آموزی با تمرکز بر موضوعات علمی، محیط زیست، و حقوق شهروندی تحت نظارت انجمن‌های مستقل رسانه‌ای.
- برگزاری مسابقات مقاله‌نویسی با موضوع «چگونه مدرسه‌ای امن و دوست‌داشتنی بسازیم؟» بدون جهت‌گیری ایدئولوژیک.

۹- تعارض تفاهم‌نامه با عدالت آموزشی

نقد:

ماده ۱۰ تفاهم‌نامه، آموزش دانش‌آموزان اتباع خارجی را به همکاری پلیس گره زده است. این رویکرد نه تنها به جای حل ریشه‌ای مشکلات (مانند فقر یا نبود مدارس حاشیه‌نشینان)، انگ امنیتی به این دانش‌آموزان می‌زند، بلکه با ماده ۲۸ کنوانسیون (حق دسترسی برابر به آموزش) و ماده ۳۰ (حق برخورداری از فرهنگ و زبان مادری) در تعارض است.



پیشنهاد جایگزین:

- تأسیس «مدارس میان فرهنگی» با استخدام معلمان دوزبانه و برنامه‌های درسی تطبیقی برای کودکان اتباع.
- اجرای طرح‌های حمایت تحصیلی مانند بورسیه و تغذیه رایگان برای کاهش ترک تحصیل در مناطق محروم.

۱- پلیس به جای مشاور: نادیده گرفتن نیازهای روانی دانش‌آموزان

نقد:

ماده ۳ تفاهم‌نامه، همکاری در «توسعه خدمات مشاوره‌ای» را به پلیس محول می‌کند، در حالی که آموزش و پرورش با کمبود ۴۰ هزار مشاور مدرسه مواجه است. این سیاست نه تنها مشکل کمبود نیروی متخصص را حل نمی‌کند، بلکه با **ماده ۲۴ کنوانسیون** (حق دسترسی به خدمات بهداشت روان) مغایرت دارد.

پیشنهاد جایگزین:

- جذب فوری روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی از طریق حذف محدودیت‌های استخدامی و افزایش بودجه آموزش و پرورش.
- راه‌اندازی اپلیکیشن مشاوره آنلاین رایگان با نظارت سازمان نظام روان‌شناسی برای دانش‌آموزان مناطق محروم.

ماده ۸ تفاهم‌نامه همکاری با شبکه شاد برای انتشار هشدارهای پلیس را الزامی می‌کند. این اقدام ممکن است به جای ایجاد احساس امنیت، اضطراب و بی‌اعتمادی را در دانش‌آموزان تشدید کند.

۱۱- نقش پلیس در برنامه‌های ورزشی و اردوها

نقد:

بند ۱۱ تعهدات فرماندهی انتظامی، استفاده از امکانات ورزشی پلیس را برای دانش‌آموزان الزامی می‌کند. این اقدام می‌تواند به ورزش به عنوان ابزاری برای عادی‌سازی فرهنگ نظامی‌گری نگاه کند و با **ماده ۳۱ کنوانسیون** (حق تفریح و بازی) که بر «فعالیت‌های خلاقانه غیررقابتی» تأکید دارد، ناسازگار است.



پیشنهاد جایگزین:

- توسعه باشگاه‌های ورزشی دانش‌آموزی با اولویت ورزش‌های گروهی غیرنظامی مانند فوتبال، والیبال، و شطرنج
- برگزاری اردوهای طبیعت‌گردی با همکاری سازمان محیط زیست برای تقویت حس مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی

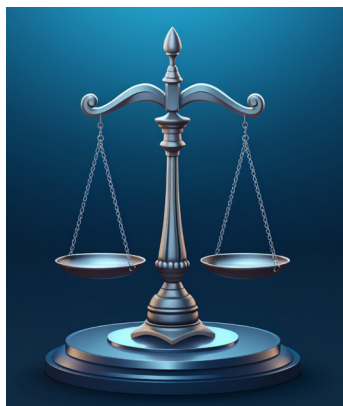
۱۲ - آسیب‌شناسی همکاری پلیس با رسانه دانش‌آموزی

نقد:

همکاری پانا (خبرگزاری دانش‌آموزی) با پلیس برای «اطلاع‌رسانی اخبار مرتبط»، ممکن است به سانسور اخبار مرتبط با اعتراضات دانش‌آموزی بینجامد و ماده ۱۳ کنوانسیون (حق دریافت اطلاعات بدون سانسور) را نقض کند.

پیشنهاد جایگزین:

- تأسیس خبرگزاری‌های دانش‌آموزی مستقل با مدیریت شوراهای منتخب دانش‌آموزی.
- آموزش روزنامه‌نگاری تحقیقی به دانش‌آموزان برای تقویت روحیه نقدپذیری و تحلیل اجتماعی



بند ۲ ماده ۲ تفاهم‌نامه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی پلیس برای اولیای دانش‌آموزان در حوزه «پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» را الزامی می‌کند. این مداخله ممکن است به بهانه آموزش، حریم خصوصی خانواده‌ها را نقض کرده و روابط والد-فرزندی را تحت الشعاع گفت‌وگوهای امنیتی قرار دهد.



◀ جمع‌بندی نهایی

تفاهم‌نامه حاضر نه تنها بسیاری از اصول کنوانسیون حقوق کودک را نقض می‌کند، بلکه از دیدگاه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، به جای حل سیستماتیک مشکلات، به عادی‌سازی «امنیت‌زدگی» در مدارس دامن می‌زند. راه‌حل پایدار، انتقال بودجه‌های اختصاص‌یافته به نهادهای امنیتی به بخش‌های زیرساختی آموزش و پرورش (مانند تربیت مشاور، به‌روزرسانی روش‌های تدریس، و بهبود محیط فیزیکی مدارس) است.



منابع:

۱. گزارش یونیسف در مورد تأثیر محیط‌های آموزشی امن بر یادگیری (۲۰۲۲)
۲. پژوهش دانشگاه تهران درباره «نقش مشاوره مدرسه در کاهش آسیب‌های اجتماعی» (۱۴۰۱)
۳. بیانیه انجمن روان‌شناسی ایران درباره لزوم حذف نهادهای امنیتی از مدارس (۱۴۰۲).
۴. کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، مواد ۲، ۱۳، ۱۶، ۲۸، ۲۹، ۳۱.
۵. گزارش خبرگزاری همپین انتشار ۱۴۰۴/۰۲/۰۲
۶. مطالعات مرکز تابآوری ایران - سایت talisweb.ir





مهندس ملیحه فلاهیپور

کارشناس ارشد
محیط زیست

ضرورت آموزش محیط زیست به کودکان: چرا، چگونه و پیامدهای بلندمدت

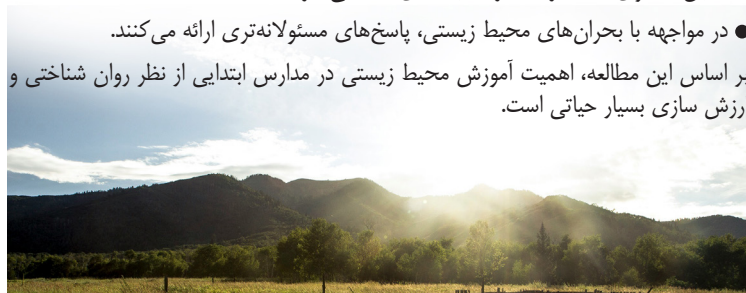
مقدمه

محیط زیست به عنوان بستر حیات انسان‌ها و سایر موجودات زنده، امروزه با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مانند تغییرات اقلیمی، آلودگی‌های گسترده و تخریب منابع طبیعی روبروست. در این میان آموزش محیط زیست به کودکان نه تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت انکار ناپذیر برای تضمین آینده‌ای پایدار است. بر اساس گزارش یونسکو (۲۰۲۱)، آموزش محیط زیست در سنین پایین می‌تواند پایه‌های رفتاری و شناختی کودکان را به گونه‌ای شکل دهد که در بزرگسالی به شهروندانی مسئولیت پذیر و دغدغه‌مند تبدیل شوند. این مقاله با بررسی ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی این موضوع به ضرورت آموزش محیط زیست به کودکان می‌پردازد.

۱- شکل‌گیری پایه‌های شناختی و عاطفی در کودکی

بر اساس نظریه طبیعت دوستی (Biophilia Hypothesis) ادوارد ویلسون (۱۹۸۴)، انسان‌ها به صورت ذاتی تمایل به ارتباط با طبیعت دارند.^۱ مطالعات نشان می‌دهد که این ارتباط در سنین ۳ تا ۱۲ سالگی شکل می‌گیرد.^۲ کودکانی که در این دوره تجربه مستقیم با طبیعت دارند (مانند بازی در جنگل و تماشای حیوانات)، در بزرگسالی:

- میزان همدردی بیشتری با موجودات زنده نشان می‌دهند.
 - تمایل بالاتری به مشارکت در فعالیتهای حفاظتی دارند.
 - در مواجهه با بحران‌های محیط زیستی، پاسخ‌های مسئولانه‌تری ارائه می‌کنند.
- بر اساس این مطالعه، اهمیت آموزش محیط زیستی در مدارس ابتدایی از نظر روان‌شناختی و ارزش‌سازی بسیار حیاتی است.



از مسائلی مانند تغییرات اقلیمی و از دست رفتن تنوع زیستی مطلع می‌شوند، ممکن است احساساتی مانند نگرانی، غم و ناامیدی را تجربه کنند. این احساسات می‌توانند نشان دهنده‌ی درک عمیق آنها از ارتباط با زیست کره باشند. بنابراین ضروری است که در کنار فراهم کردن فرصت‌هایی برای تجربه طبیعت، حمایت‌های روانی و آموزشی مناسب نیز برای کودکان فراهم شود تا بتوانند با چالش‌های محیط زیستی به طور موثر مواجه شوند. همچنین مطالعه تأکید می‌کند که اگر این احساسات منفی در کنار حس توانمندی، تجربه موفق عمل جمعی و روایت‌های امیدبخش از اقدام موفق محیط زیستی ارائه شوند، می‌توانند به رشد امید سازنده (Constructive hope) و مشارکت فعال در حل مسائل منجر شوند.^۵

۲- کاهش شکاف دانش- عمل در نسل آینده

کولموس و آگین (۲۰۰۲) یک بررسی جامع بر موانع و شکاف بین دانستن و عمل محیط زیستی ارائه دادند و به طرح این پرسش پرداختند که چرا افراد با وجود داشتن دانش و نگرانی درباره‌ی مسائل محیط زیستی، اغلب رفتارهای مخرب محیط زیست را انجام می‌دهند؟ نتایج این

مطالعات متعدد دیگری نیز به اهمیت آموزش محیط زیستی در دوران کودکی پرداخته‌اند. یکی از این مطالعات، بررسی نظام مند آموزش محیط زیستی در اوایل کودکی توسط آردوین و باورز (۲۰۲۰) است.^۶ این مطالعه ۶۶ پژوهش را در بازه‌ی زمانی ۲۵ ساله بررسی کرده و نشان داده است که آموزش محیط زیست در دوران ابتدایی اثرات قابل توجهی بر توسعه‌ی سواد محیط زیستی، رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی کودکان به ویژه وقتی با فضای طبیعی، بازی و حرکت همراه باشد، دارد.

همچنین مطالعه مروری دکتر لوئیس چاولا (۲۰۲۰) با عنوان "ارتباط کودکی با طبیعت و امید سازنده" تأکید می‌کند که تجربیات مستقیم با طبیعت در دوران کودکی نقش مهمی در شکل‌گیری دلبستگی به محیط زیست و رفتارهای حفاظتی در بزرگسالی دارند. او بیان می‌کند که کودکان با صرف زمان در محیط‌های طبیعی، ارتباط عمیق‌تری با طبیعت برقرار می‌کنند و این ارتباط می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتارهای فعال در حفاظت از طبیعت در آینده باشد. مطالعه چاولا نشان می‌دهد که ارتباط کودکان با طبیعت دارای مزایای فراوانی است اما این ارتباط پیچیده است و می‌تواند احساسات منفی نیز ایجاد کند. کودکان و نوجوانانی که



والدین، مربیان یا الگوهای اجتماعی رفتارهای دوستدار محیط زیست را انجام دهند، احتمال تکرار و درونی‌سازی این رفتارها توسط کودکان به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد.^۸

۳- کودکان به عنوان کاتالیزور تغییر در جامعه

مطالعات موردی متعددی در مورد نقش کودکان به عنوان کنشگران تغییرات محیط زیستی در خانواده و جامعه وجود دارد. در یکی از نمونه‌های برجسته در یک پایان نامه دکترای حرفه‌ای در استرالیا در سال ۲۰۱۲، بررسی شد چگونه کودکان پیش دبستانی می‌توانند به عنوان کاتالیزور برای توسعه‌ی پایدار و تغییرات محیطی در مدرسه و جامعه عمل کنند. از نتایج این پژوهش می‌توان به توانایی کودکان در نقش‌آفرینی تغییرساز، تغییر فلسفه و فرهنگ آموزشی و نقش آموزشی کودکان اشاره کرد.^۹

در نمونه دیگری در کره جنوبی، گروهی به نام "سازمان اقدام اقلیمی جوانان" پس از مراجعت به دادگاه و اقتباس از سایر پرونده‌ها سرانجام در سال ۲۰۲۴ موفق شدند دیوان قانون اساسی کره جنوبی را قانع کنند که قانون اقلیمی فعلی ناقص و مغایر با حقوق نسل جوان است. بر اساس این حکم، دولت به تعیین سقف کاهش گازهای گلخانه‌ای برای سال‌های ۴۹-۲۰۳۱ تا فوریه ۲۰۲۶ ملزم شد و این یک پیروزی مهم برای حقوق کودکان در حوزه محیط زیست به شمار می‌آید.^{۱۰}

۴- منافع اقتصادی آموزش محیط زیست در کودکی

الف) پیشگیری از هزینه‌های آینده

بر اساس برآورد یونیسف، سرمایه‌گذاری در آموزش محیط زیست برای کودکان در سنین پیش دبستانی، نه تنها از جنبه فرهنگی و محیط

مطالعه نشان می‌دهد که افزایش دانش محیط زیستی لزوماً به رفتارهای محیط زیستی منجر نمی‌شود. عوامل دیگری مانند عادات، احساسات و ساختارهای اجتماعی نقش مهم‌تری دارند.^۶

در همین راستا، اوتو و پسنینی (۲۰۱۷) نیز با مطالعه‌ای که بر روی بیش از سی‌صد دانش‌آموز کلاس چهارم تا ششم در پنج مدرسه در شهر برلین انجام دادند، دو عامل کلیدی دانش محیط زیستی و ارتباط عاطفی با طبیعت را به عنوان عوامل اصلی در داشتن رفتارهای محیط زیستی در کودکان معرفی کردند. بر اساس این مطالعه، حس تعلق عاطفی و درک معنوی از طبیعت، ۶۹ درصد از تفاوت در رفتارها را توضیح می‌دهد و قوی‌ترین پیشران رفتار محیط زیستی کودکان است. در مقایسه، دانش محیط زیستی تنها ۲ درصد از واریانس رفتارها را توضیح می‌دهد. این یافته مهم نشان می‌دهد که برای پرورش نسل پایدار، باید بیش از هر چیز، رابطه احساسی کودک با طبیعت را تقویت کرد.^۷

در کنار اهمیت شکل‌گیری رابطه احساسی با طبیعت، براساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷)، کودکان (و حتی بزرگسالان) از طریق مشاهده و تقلید، رفتارهای محیط زیستی اطرافیان خود را نیز یاد می‌گیرند. اگر

آموزش محیط زیست در سنین

پایین می‌تواند پایه‌های رفتاری

و شناختی کودکان را به گونه‌ای

شکل دهد که در بزرگسالی به

شهروندانی مسئولیت‌پذیر و

دغدغه‌مند تبدیل شوند.





● **سلامت عمومی:** آموزش در مورد محیط زیست سالم، به بهبود سلامت عمومی جامعه منجر می‌شود و از هزینه‌های درمانی می‌کاهد.

(ب) ایجاد مشاغل سبز در آینده

برنامه‌هایی مانند مدارس محیط زیستی (Schools-Eco) نشان داده‌اند که دانش‌آموزان با مشارکت فعال در پروژه‌های محیط زیستی، نگرش، مهارت‌های تصمیم‌گیری و مسئولیت اجتماعی را توسعه می‌دهند.^{۲۲}

این مهارت‌ها پایه‌ساز ورود به مشاغل سبزی هستند که امروز جامعه به شدت به آنها نیاز دارد از جمله مدیریت منابع طبیعی، بهینه‌سازی مصرف انرژی و توسعه فناوری‌های دوستدار محیط زیست (با توجه به توسعه هوش مصنوعی و از بین رفتن بسیاری از مشاغل در آینده، مشاغل جدیدی مانند تحلیل‌گر داده‌های محیط زیستی، مهندس Ai در انرژی‌های تجدیدپذیر، مهندس سیستم‌های هوشمند آب و هوا، مهندس کشاورزی هوشمند و غیره شکل گرفته‌اند که در دسته مشاغل سبز مقاوم در برابر هوش مصنوعی قرار می‌گیرند چرا که نیاز به تفسیر انسانی، اخلاق محیط زیستی و تعامل با جامعه دارد).

در نمونه دیگری در کره جنوبی،

گروهی به نام "سازمان اقدام

اقلیمی جوانان" پس از مراجعت

به دادگاه و اقتباس از سایر

پیروندها سرانجام در سال ۲۰۲۴

موفق شدند دیوان قانون اساسی

کره جنوبی را قانع کنند که قانون

اقلیمی فعلی ناقص و مغایر با

حقوق نسل جوان است.

در کنار اهمیت شکل‌گیری رابطه

احساسی با طبیعت، بر اساس نظریه

یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷)،

کودکان (و حتی بزرگسالان) از

طریق مشاهده و تقلید، رفتارهای

محیط زیستی اطرافیان خود را نیز

یاد می‌گیرند.

زیستی، بلکه از نظر اقتصادی نیز یکی از پربازده ترین انواع سرمایه‌گذاری‌ها محسوب می‌شود. به طور میانگین، برای هر ۱ دلار هزینه در این حوزه، بین ۹ تا ۱۷ دلار بازگشت اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌شود.^{۲۳} این گزارش نشان می‌دهد که آموزش در سنین پایین، که به طور فزاینده‌ای شامل مفاهیم محیط زیستی می‌شود، زیربنای توسعه پایدار جوامع را تشکیل می‌دهد.

بازگشت بالای سرمایه‌گذاری در آموزش محیط زیست به کودکان، از چندین جنبه قابل توجهی است:

● افزایش آگاهی و تغییر رفتار: کودکانی که با

مفاهیم محیط زیستی آشنا می‌شوند، در بزرگسالی به شهروندانی مسئولیت پذیرتر تبدیل می‌شوند. این افراد الگوهای مصرف پایدارتری خواهند داشت، در حفظ منابع طبیعی کوشا تر خواهند بود و در نهایت هزینه‌های ناشی از تخریب محیط زیست را برای جامعه کاهش می‌دهند.

● افزایش تاب‌آوری در برابر تغییرات

اقلیمی: آموزش در مورد تغییرات آب و هوایی و راهکارهای مقابله با آن، کودکان و جوامع را برای مواجهه با بلایای طبیعی و اثرات مخرب گرمایش جهانی آماده تر می‌کند.

● افزایش بهره‌وری و نوآوری: آشنایی با

چالش‌های محیط زیستی می‌تواند زمینه‌ساز بروز خلاقیت و نوآوری در نسل‌های آینده برای یافتن راهکارهای فناورانه و پایدار باشد.



بر اساس برآورد یونسف،
سرمایه‌گذاری در آموزش محیط
زیست برای کودکان در سنین پیش
دبستانی، نه تنها از جنبه فرهنگی
و محیط زیستی، بلکه از نظر
اقتصادی نیز یکی از پربازده‌ترین
انواع سرمایه‌گذاری‌ها محسوب
می‌شود.

● بازی‌های رایانه‌ای و اپلیکیشن‌های تعاملی مثل
بازی "Minecraft: Education Edition"
با محوریت شهرهای پایدار و iNaturalist
بخصوص برای نسل Z.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

در پایان این مقاله، با اطمینان می‌توان نتیجه
گرفت که آموزش محیط زیست به کودکان،
یک اقدام استراتژیک و چند وجهی برای تضمین
آینده ای پایدار است. اهمیت این آموزش صرفا
در انتقال اطلاعات خلاصه نمی‌شود، بلکه در
شکل‌دهی به پایه‌های شناختی و عاطفی در
حساس‌ترین سال‌های رشد انسان نهفته است.
در دوران کودکی است که حس همدلی با جهان
طبیعی، شگفتی از آن و تعهد به حفاظت از آن
در وجود فرد ریشه می‌دواند و سنگ بنای یک

اکنون که ضرورت آموزش محیط زیست به
کودکان و نقش بنیادین آن در شکل‌دهی به
آینده‌ای پایدار روشن شد، این پرسش مطرح
می‌شود که چگونه می‌توان این آموزش را به
شیوه‌ای ساده، موثر و متناسب با سن کودکان
پیاده‌سازی کرد؟

راه‌های ساده آموزش محیط زیست
به کودکان را می‌توان به صورت زیر
خلاصه کرد:

- تفکیک زباله با مشارکت کودک
- استفاده از کیسه پارچه‌ای هنگام خرید با کودک
- الگوی رفتاری والدین و مربیان
- تشویق کودک به آموزش دیگران
- کاشتن گل یا گیاه خانگی
- کاهش مصرف آب و برق به همراه کودک
- بازدید از طبیعت و پارک‌ها
- نقاشی و ساخت کاردستی با مواد بازیافتی
- نمایش عروسکی با موضوع انقراض گونه‌ها
- گنجاندن آموزش محیط زیست در برنامه درسی
- دیدن فیلم‌ها و انیمیشن‌های محیط زیستی
(مثل Wall-E یا The Lorax)



عمر رفتار مسئولانه گذاشته می‌شود.

این شکل‌گیری زود هنگام، کلیدی‌ترین راهکار برای کاهش «شکاف دانش-عمل» در نسل آینده است، پدیده‌ای که در آن افراد با وجود آگاهی از مشکلات محیط زیستی، در عمل اقدام موثری انجام نمی‌دهند.

کودکی که از سن پایین با طبیعت ارتباطی عمیق و عاطفی برقرار کند، در بزرگسالی دانش خود را به راحتی به رفتار پایدار ترجمه خواهد کرد. علاوه بر این، نباید کودکان را تنها به عنوان شهروندان آینده نگریست. آنها کاتالیزورهای قدرتمند تغییر در زمان حال هستند که آموخته‌های خود را به کانون خانواده و جامعه منتقل کرده و الگوهای مصرف و رفتار بزرگسالان را به چالش می‌کشند

منابع:

1. UNESCO. (2021). "Learn for our planet: A global review of how environmental issues are integrated in education". Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organizations.
2. Wilson, Edward O. (1984). "Biophilia: The human bond with other species". Harward University Press.
3. Kahn, P.H., & Kellert, S. R. (2002). "Children and Nature: Psychological, Sociocultural, and evolutionary investigations". MIT Press.
DOI: 10.7551/mitpress/1807.001.0001
4. Ardoin, N. M., & Bowers, A. W. (2020). "Early childhood environmental education: A systematic review of the research literature". Educational Research Review, 31, Article 100353.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1747938X19305561>
5. Chawla, L. (2020). "Childhood nature connection and constructive hope: A review of research on connecting with nature and coping with environmental loss". People and Nature, 2(3), 619-642.
DOI: 10.1002/pan3.10128
6. Kollmuss, A., & Agyeman, J. (2002). "Mind the Gap: Why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental behavior?". Environmental Education Research, 8(3), 239-260.
DOI: 10.1080/13504620220145401
7. Otto S., & Pensini P. (2017). "Nature-based environmental education of children: Environmental knowledge and connectedness to nature, together are related to ecological behavior". Global Environmental Change, 47, 88-94.
8. Bandura, A. (1977). "Social Learning Theory". Englewood Cliffs, NJ : Prentice-Hall.
9. Stuhmcke, S. M. (2012). "Children as change agents for sustainability: An action research, case study in a kindergarten". Queensland University of Technology.
10. www.theguardian.com
11. UNICEF. (2023). "First 1000 days to a resilient future: Environmental and climate education for early childhood in Latin America and the Caribbean". Panama City: United Nations Children's Fund.
12. Foundation for Environmental Education.(n.d.). Eco-Schools. Retrieved from: <https://www.ecoschools.global>

فرا تر از این، منافع اقتصادی چنین سرمایه‌گذاری بلندمدتی غیر قابل چشم‌پوشی است. آموزش کودکان امروز، به معنای کاهش هزینه‌های هنگامت مدیریت پسماند، مقابله با آلودگی و بازسازی اکوسیستم‌های تخریب شده در فرادست. مهم تر از آن، این آموزش نسلی خلاق، نوآور و آگاه را برای ایجاد و تصدی مشاغل سبز در آینده آماده می‌سازد. مشاغل که موتور محرک اقتصادهای نوین و پایدار خواهند بود و مسیر توسعه کشور را هموارتر می‌کنند.

در نهایت، آموزش محیط زیست به کودکان یک اقدام واکنشی به بحران‌های فعلی نیست، بلکه یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه، پیشگیرانه و بنیادین برای ساختن جامعه‌ای تاب‌آور، اقتصادی شکوفا و سیاره‌ای سالم برای همه نسل‌هاست. این حیاتی‌ترین وظیفه‌ای است که امروز بر دوش ما برای فردایی بهتر قرار دارد.



آموزش تخصصی کودکان عشایر استان سیستان و بلوچستان

شیرین ارباب بیگس

کارشناس ارشد
روانشناسی بالینی

من یک معلم عشایر هستم. پس از ۱۵ سال تجربه ارزشمند آموزشی در مدرسه غیردولتی که خود موسس آن هستم، با گروه جهادی آشنا شدم که دغدغه آنها اهدای بازی و لبخند به کودکان روستاهای دور و حاشیه شهر بود.

با همراهی این گروه اوقات تعطیلات عید و تابستان را برای باسواد کردن و آموزش توأم با لذت کودکان کار، بهزیستی و روستاهای دور افتاده، فارغ از سن و جنسیت، وقت صرف کردم که البته صرف این وقت برای من سود آور بود خودم را در مسیر رشد و حرکت از بشر بودن به سمت انسانیت و در نهایت برای آدم شدن می‌دیدم؛ که این بسی راهی است طولانی....

زیرا باور دارم معلمی شغل انبیاست .

سرانجام برای رسیدن به هدف والا، جذب آموزش و پرورش عشایر استان سیستان و بلوچستان شدم. اینک مقاله‌ای با موضوع "آموزش تخصصی کودکان عشایر استان سیستان و بلوچستان" ارائه می‌دهم و به تحلیل چالش‌ها و راهکارهای مختلف آموزشی برای این گروه از جامعه می‌پردازم.



مقدمه

استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق ویژه و منحصر به فرد ایران است که با ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی خاص خود شناخته می‌شود. یکی از گروه‌های مهم اجتماعی در این استان، عشایر هستند که بخش قابل توجهی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. این عشایر بطور عمده در مناطق مختلف این استان از جمله مناطق کوهستانی، بیابانی و دشت‌ها زندگی می‌کنند و با روش‌های سنتی و دامپروری به امرار معاش می‌پردازند و به ۲ گروه عشایر بلوچ و عشایر سیستانی تقسیم می‌شوند.

آموزش کودکان عشایر در این استان با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است که نیاز به توجه اساسی دارد؛ و پراکندگی جامعه عشایر این استان بر روند آموزش این گروه از کودکان تاثیرگذار هست در اینجا برخی از ویژگی‌ها، چالش‌ها و راهکارهایی برای بهبود وضعیت آموزشی آنها را بررسی می‌کنیم.

چالش‌های آموزش کودکان عشایر

الف) دوری از مراکز آموزشی:

بهره‌مند شوند. همچنین دوری مسافت راه، خطرات مسیر و گذر از جاده‌های خطرناک، هزینه بالای کرایه‌های سرویس برای معلمان، رفت و آمد معلمان با تجربه را برای چند سال پیوسته در یک منطقه، تقریباً ناممکن می‌سازد.

بسیاری از مناطق عشایری استان از دسترسی به مدارس مناسب و معلمان مجرب محروم هستند. این مسئله به دلیل کوچ‌نشینی و پراکندگی جمعیت عشایری است که موجب می‌شود کودکان نتوانند از آموزش‌های رسمی





ب) کمبود امکانات آموزشی:

مدارس در مناطق عشایری اغلب فاقد امکانات اولیه مانند تجهیزات آموزشی، اینترنت و فضاهای مناسب برای تدریس هستند. که خوشبختانه در این چند سال نگاه مهربان خیرین بومی و خیرین خارج از استان، تا حدودی این مشکلات را کمرنگ کرده است. اما همچنان تعداد زیادی از مدارس استان نیازمند حمایت هستند.

پ) موانع فرهنگی:

برخی از خانواده‌های عشایری به دلیل باورهای فرهنگی و اجتماعی ممکن است آموزش دختران خود را نادیده بگیرند و در نتیجه، بسیاری از دختران عشایر با وجود استعدادهای خوبشان از فرصت‌های تحصیلی محروم می‌شوند.

بی‌سوادى خود پدران و مادران نیز، انگیزه

تحصیل را از کودکان می‌گیرد چون از طرف خانواده حمایت عاطفی جهت دریافت تشویق، کمتر صورت می‌گیرد. رسم و رسوم ازدواج‌های زود هنگام و پرداختن به شغل آبا و اجدادی برای فرزندان، بیشترین خواسته برخی از خانواده‌هاست.

استان سیستان و بلوچستان

یکی از مناطق ویژه و منحصر به

فرد ایران است که با ویژگی‌های

جغرافیایی و فرهنگی خاص خود

شناخته می‌شود. یکی از گروه‌های

مهم اجتماعی در این استان، عشایر

هستند که بخش قابل توجهی از

جمعیت را تشکیل می‌دهند.



بسیاری از مناطق عشایری استان
از دسترسی به مدارس مناسب
و معلمان مجرب محروم هستند.
این مسئله به دلیل کوچ‌نشینی و
پراکندگی جمعیت عشایری است
که موجب می‌شود کودکان نتوانند
از آموزش‌های رسمی بهره‌مند
شوند.

جسمانی و روانی دانش‌آموزان عشایری تأثیر
بگذارد. همچنین، نبود خدمات مشاوره‌ای
در مدارس این مناطق، باعث می‌شود که
مشکلات روانی و اجتماعی دانش‌آموزان
نادیده گرفته شوند و یا بدون درمان باقی
بمانند.

راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت آموزش

برای بهبود شرایط آموزشی دانش‌آموزان
عشایری، می‌توان اقدامات مختلفی را در نظر
گرفت:

۱) ایجاد مدارس سیار:

یکی از راهکارهای مؤثر برای آموزش
کودکان عشایر، راهاندازی مدارس سیار
است که به صورت موقت در مناطق مختلف
عشایری مستقر شوند و به آموزش کودکان
در ایام تعطیلات بپردازند.

۲) استفاده از فناوری‌های نوین:

استفاده از فناوری‌هایی مثل آموزش آنلاین و

ت) تأثیرات طبیعی و جغرافیایی:

تغییرات جوی آب و هوا به خصوص در
سیستان و خشکسالی‌های اخیر بر چگونگی
شغل عشایر تأثیر بسیاری گذاشته و اکثر آنان
زندگی یکجانشینی و خرید و فروش سوخت
یا سایر مشاغل را برگزیده‌اند، چون دیگر
دامی در اختیار ندارند.

ث) مهاجرت و بی‌ثباتی:

یکی دیگر از مشکلات خاص دانش‌آموزان
عشایری، مهاجرت مداوم و عدم ثبات در
مکان زندگی است. عشایر به دلیل شیوه
زندگی خود، همواره در حال کوچ هستند و
این موضوع باعث می‌شود که دانش‌آموزان
نتوانند آموزش‌های پیوسته‌ای را تجربه کنند.
گاهی اوقات، این مهاجرت‌ها باعث می‌شود
که دانش‌آموزان از برنامه‌های درسی عقب
بمانند و حتی برخی از آنان تحصیلات خود
را متوقف کنند.

ج) مشکلات بهداشتی و روانی:

زندگی در شرایط سخت و با دسترسی محدود
به خدمات بهداشتی می‌تواند بر سلامت





مناطق عشایری را فراهم کنند و در ایام تعطیلات مشغول به آموزش آنها شوند؛ و با برگزاری کارگاه‌های متنوع به معلمان عشایر درباره منطقه خدمت آنها و چگونگی آموزش دانش‌آموز عشایر، اطلاعات اولیه و آموزش‌های تخصصی داده شود.

۵) آگاه‌سازی والدین:

برگزاری جلسات آگاه‌سازی برای والدین در خصوص اهمیت آموزش و نقش آن در رشد و پیشرفت فرزندان می‌تواند تأثیر زیادی در ترغیب آنها برای ارسال فرزندان خود به مدارس داشته باشد.

۶) جذب خیرین و دادن آگاهی به آنان:

پراکندگی کمک‌های خیرین از سمت نهادهای مختلف منجر می‌شود که بخشی از نیازمندی‌ها به فراوانی در اختیار خانواده‌ها قرار بگیرند مثل اهدای کفش، کیف، لوازم التحریر که گاها کیفیت پایین لوازم بیشتر به فرایند

و نرم‌افزارهای آموزشی می‌تواند به حل مشکل دسترسی به آموزش در مناطق دور افتاده کمک کند. ایجاد کلاس‌های مجازی به تسهیل آموزش کمک می‌کند. یا اینکه معلمان روزانه فیلم‌های آموزشی خودشان را که در کلاس تدریس کرده‌اند، در گروه برای دانش‌آموزان بارگذاری کنند تا کودکی که در خانواده شخص باسوادی ندارد با چند بار دیدن آن فیلم‌ها، مطالب درسی دوباره برای آنها مرور شود.

۳) آموزش معلمان بومی:

یکی از راه‌حل‌های مؤثر، تربیت معلمان بومی است که با فرهنگ و شرایط زندگی عشایر آشنایی دارند و می‌توانند آموزش مؤثرتری را ارائه دهند.

۴) حمایت از معلمان و ارائه آموزش‌های تخصصی به آنها:

خیرین می‌توانند کمک‌های مالی برای جذب معلمان با تخصص‌های مختلف در





مغزی و سلامت جسم کودک خواهد داشت و نبود آب شرب مناسب در مدارس عشایر، مشکل دیگریست که در سلامت کودکان و جنب و جوش کودکانه آنها بسیار تأثیرگذار هست. وجود یک مرکز واحد، تا تمام خیرین از آنجا کسب اطلاعات کنند و کاملاً به نیازمندی‌های منطقه اشراف داشته باشد، تا هزینه‌ها در بخشی صرف شود که اولویت هست.

۷) تاسیس خانه‌های بازی

نیود فضای بازی در مناطق عشایر که سرپوشیده باشد و کودک با نظارت بزرگ‌ترهای باسواد منطقه، در آنجا به بازی، نقاشی، قصه‌گویی، دست‌ورزی، خلاقیت، ورزش و ... مشغول شود و به جای دودیدن‌های بی‌هدف، بتواند در آن محیط امن بیاموزد، بازی کند و برای یادگیری عمیق‌تر آماده شود.

کودک عشایر سیستان به دلیل از دست دادن فضای سبز، تنها رنگی که در ۶ سال اول زندگی با آن ارتباط می‌گیرد رنگ خاک هست.

به همین دلیل برای دانش‌آموزان عشایر

برخی از خانواده‌های عشایری به دلیل باورهای فرهنگی و اجتماعی ممکن است آموزش دختران خود را نادیده بگیرند و در نتیجه، بسیاری از دختران عشایر با وجود استعدادهای خوب شان از فرصت‌های تحصیلی محروم می‌شوند.

آموزش آسیب وارد می‌کند و کودک ناخودآگاه به دلیل زیاد داشتن لوازم التحریر اسراف می‌کند و اهمیتی برای آنها قائل نیست.

در صورتی که دانش‌آموز در طول سال چندین جفت کفش، کیف و ... را داراست اما به دلیل ضعف زیاد جسمی و عدم داشتن تغذیه مناسب نمی‌تواند آموزش را متوجه شود و چون مغز کودک از خوراک مفید چندان برخوردار نبوده است دروسی که نیاز به تمرکز بیشتر دارند را متوجه نمی‌شود.

دادن بسته‌های کوچک حاوی پسته، خرما خشک، گردو و بادام تأثیر ماندگاری در رشد



فرهنگ آموزش، به‌ویژه برای دختران، از طریق رسانه‌ها و نهادهای مختلف می‌تواند نگرش‌های منفی نسبت به آموزش در برخی جوامع عشایری را تغییر دهد.

پایه اول، فهم کتاب‌های درسی به خصوص ریاضی بسیار سخت است و معلم برای آموزش با چنین کودکانی با چالش‌های زیادی مواجه می‌شود.

از جهتی برنامه‌ریزی برای اتمام کتاب‌های درسی و آموزش صحیح و در نقطه مقابل کودکانی که در ۶ سال اول هیچ آموزش ندیده‌اند. عامل مهم کج‌فهمی و دیرآموزی آنان است.

نتیجه‌گیری

آموزش کودکان عشایر استان سیستان و بلوچستان نیازمند توجه خاص و برنامه‌ریزی دقیق است. با اتخاذ راهکارهای مناسب و استفاده از امکانات موجود، می‌توان به بهبود وضعیت آموزشی این گروه از جامعه کمک کرد و فرصتی برابر برای تحصیل، پیشرفت آنان و رعایت عدالت اجتماعی فراهم ساخت. تا در آینده نزدیک شاهد رشد و بالفعل کردن استعدادهای فراوان دانش‌آموزان عشایر باشیم و آنها با یادگیری مهارت‌های مختلف و ورود به دانشگاه‌ها تأمین‌کننده نیروهای انسانی متخصص منطقه عشایر باشند.

حال اگر خیرین در این بخش همت کنند تا کودکان با اسباب بازی‌های متنوع، کاغذهای رنگی، خمیربازی، چسب، قیچی، رنگ، گواش، بازی‌های فکری و مدادهای رنگی با کیفیت در اختیار داشته باشند. می‌توان اطمینان حاصل کرد که در کاهش آمار بی‌سوادی کشور تأثیر چشم‌گیری را خواهیم داشت.

۸) چاپ کتب درسی مختص عشایر

شاید بتوان با کم کردن حجم کتاب‌های درسی یا تغییر محتوای آنها، به معلمان عشایر به ویژه معلمان چندپایه فرصت بیشتری جهت بهتر اجرایی کردن سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش داد تا بتوانند رشد اخلاقی، علمی و هنری دانش‌آموزان را ارتقا دهند.

۹) ایجاد برنامه‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی

طراحی برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر که با شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی مناطق عشایری تطابق داشته باشد، می‌تواند اثربخش باشد. آگاهی‌رسانی و ترویج

پانوشت:

عکسها مستند و دانش آموزان سیستان هستند.



حقوق کودکان کم‌برخوردار در مددکاری اجتماعی: چالش‌ها وراهکارها



دکتر فاطمه جعفری

مددکار اجتماعی و عضو
هیئت علمی دانشگاه اصفهان

مقدمه

رسالت اصلی حرفه مددکاری اجتماعی، تقویت رفاه انسانی و کمک به رفع نیازهای تمامی افراد آسیب‌پذیر، تحت‌ستم و فقیر است. این حرفه با تأکید بر رفاه فردی در چارچوب اجتماعی و رفاه جامعه، نقش مهمی در بهبود شرایط زندگی افراد در معرض خطر ایفا می‌کند. اساس و بنیاد مددکاری اجتماعی، توجه به شیوه‌های محیطی است که مشکلات اجتماعی و فردی را به وجود می‌آورد و در آنها سهیم است. در این زمینه، یکی از مقولات اساسی که در سیاست‌گذاری اجتماعی و حمایت از حقوق کودکان آسیب‌پذیر حائز اهمیت ویژه است، مطالعه حقوق کودکان کم‌برخوردار است. کودکان کم‌برخوردار، به‌ویژه آنهایی که در شرایط فقر، بی‌سرپرستی و تبعیض زندگی می‌کنند، به‌شدت در معرض خطر بی‌توجهی، سوءاستفاده، بهره‌کشی و طرد اجتماعی قرار دارند.





مددکاری اجتماعی، به‌عنوان حرفه‌ای متعهد به اصول عدالت اجتماعی و حقوق بشر، موقعیتی منحصر به‌فرد برای مداخله و دفاع از این گروه‌های آسیب‌پذیر دارد. این مقاله به‌منظور بررسی حقوق بنیادین کودکان کم‌برخوردار، تحلیل وضعیت کنونی پاسخ‌های مددکاری اجتماعی به این حقوق، و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود شرایط این کودکان در جامعه نگاشته شده است. کودکان کم‌برخوردار به‌طور سیستماتیک با موانع مختلفی در دسترسی به حقوق اساسی انسانی خود مواجه‌اند. این حقوق شامل تغذیه مناسب، مسکن، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، حق مشارکت، حق رشد و توسعه، و حق بقا است.

به حقوق اساسی انسانی خود مواجه‌اند. این حقوق شامل تغذیه مناسب، مسکن، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، حق مشارکت، حق رشد و توسعه، و حق بقا است.

طبق گزارش یونیسف در سال ۲۰۲۱، ۲۲.۳ درصد از کودکان زیر پنج سال، معادل تقریباً ۱۴۸.۱ میلیون نفر، دچار کوتاهی قد (stunting) بوده‌اند و نزدیک به ۶.۸ درصد از کودکان زیر پنج سال (حدود ۴۵ میلیون

مددکاری اجتماعی، به‌عنوان حرفه‌ای متعهد به اصول عدالت اجتماعی و حقوق بشر، موقعیتی منحصر به‌فرد برای مداخله و دفاع از این گروه‌های آسیب‌پذیر دارد. این مقاله به‌منظور بررسی حقوق بنیادین کودکان کم‌برخوردار، تحلیل وضعیت کنونی پاسخ‌های مددکاری اجتماعی به این حقوق، و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود شرایط این کودکان در جامعه نگاشته شده است. کودکان کم‌برخوردار به‌طور سیستماتیک با موانع مختلفی در دسترسی



آفریقا، حدود ۳۰ میلیون کودک در سنین ۵ تا ۱۸ سال از مدرسه بازمانده‌اند. افزون بر این، گزارش یونسف حاکی از آن است که در سال ۲۰۲۳، نزدیک به ۹۳ میلیون کودک زیر ۱۵ سال در سراسر جهان دچار تأخیر یا ناتوانی‌های رشدی متوسط یا شدید هستند. به‌علاوه، تقریباً ۱ میلیارد کودک در سطح جهانی در شرایط فقر چندبعدی زندگی می‌کنند و از ضروریات اولیه مانند غذا، آب، سرپناه، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی محروم هستند.

مددکاری اجتماعی، با توجه به تعهدات خود به حقوق بشر و عدالت اجتماعی، در تضمین اجرای این حقوق و دفاع از حقوق کودکان کم‌برخوردار نقشی محوری ایفا می‌کند. هدف این مقاله، بررسی وضعیت موجود حقوق کودکان کم‌برخوردار در بستر مددکاری اجتماعی، تحلیل چالش‌ها و مشکلات موجود در تضمین این حقوق، و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود سیاست‌ها و شیوه‌های عادلانه‌تر در حمایت از این کودکان آسیب‌پذیر است.

دولت‌ها باید بودجه بیشتری را به آموزش و پرورش کودکان کم‌برخوردار اختصاص دهند تا دسترسی به آموزش‌های باکیفیت و مدارس برای آنان فراهم شود.

نفر) دچار لاغری شدید (wasting) هستند. همچنین، ۵۶ درصد از کودکان زیر پنج سال (تقریباً ۳۷ میلیون نفر) دچار اضافه وزن (overweight) بوده‌اند. از منظر آموزشی، تقریباً یک‌پنجم نوجوانان در سنین متوسطه (۱۲ تا ۱۵ سال) از تحصیل بازمانده‌اند و در برخی مناطق، مانند خاورمیانه و شمال





بهره‌گیری از منابع معتبری چون گزارش‌های یونیسف (۲۰۲۳-۲۰۲۱)، کنوانسیون حقوق کودک (UNCRC)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR)، و همچنین مقالات علمی و کتاب‌های مرتبط با مددکاری اجتماعی، حقوق کودک و فقر گردآوری شده‌اند. در کنار آن، نمونه‌های موردی از کشورهای نروژ، آفریقای جنوبی و هند به‌عنوان الگوهای موفق در حمایت از کودکان کم‌برخوردار تحلیل شده‌اند. روش تحلیل داده‌ها شامل تحلیل محتوای کیفی برای استخراج مضامین اصلی مانند چالش‌های دسترسی به آموزش، سلامت و حمایت اجتماعی، و همچنین تحلیل مقایسه‌ای به‌منظور بررسی تطبیقی سیاست‌ها و برنامه‌ها و ارائه راهکارهای بومی‌سازی شده است. جامعه تحقیق شامل کودکان کم‌برخوردار در سراسر جهان، به‌ویژه در مناطق محرومی چون خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین و هند می‌باشد و نمونه‌ها شامل گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و پژوهش‌های موردی از کشورهای مختلف است. ابزار

کودکان کم‌برخوردار به‌طور سیستماتیک با موانع مختلفی در دسترسی به حقوق اساسی انسانی خود مواجه‌اند. این حقوق شامل تغذیه مناسب، مسکن، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، حق مشارکت، حق رشد و توسعه، و حق بقا است

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و تحلیلی انجام شده و با تمرکز بر تحلیل محتوای اسناد، گزارش‌های بین‌المللی و مطالعات پیشین، به بررسی چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با حقوق کودکان کم‌برخوردار می‌پردازد. داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، با



بر زندگی آنان دارند. وظایف آنان شامل موارد زیر است:

- ارزیابی نیازها و خطرات کودکان در محیط‌های فقیر (مددکار اجتماعی در نقش ارزیاب)

- ارائه مدیریت مورد و ارتباط دادن خانواده‌ها به منابع حمایتی (مددکار اجتماعی در نقش مدیریت مورد)

- دفاع از اصلاحات قانونی و سیاست‌گذاری‌ها (مددکار اجتماعی در نقشه مدافعه)

- آموزش جامعه درباره حقوق کودک و ساز و کارهای محافظتی (مددکار اجتماعی در نقش آموزش‌دهنده و تمرکز بر ظرفیت‌سازی جامعه)

اما موانع متعددی در مسیر حمایت مؤثر از حقوق کودکان کم‌برخوردار وجود دارد مانند:

- کمبود بودجه و منابع برای برنامه‌های رفاه کودک.

- تبعیض نهادی و نابرابری‌های سیستماتیک.

گردآوری داده شامل فهرست‌برداری از اسناد و طبقه‌بندی موضوعی آنها بوده و برای استناددهی از استاندارد APA استفاده شده است. از جمله محدودیت‌های تحقیق می‌توان به نبود داده‌های میدانی و تمرکز بر منابع ثانویه اشاره کرد که ممکن است همه ابعاد محلی را پوشش ندهند. در بُعد اخلاق پژوهش، رعایت حقوق کودکان، محرمانگی اطلاعات و ذکر دقیق منابع مورد توجه قرار گرفته است.

بحث و نظر

کودکان کم‌برخوردار کسانی هستند که از منابع اجتماعی، آموزشی و عاطفی کافی برای رشد سالم برخوردار نیستند. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (UNCRC)، هر کودک حق بقا، رشد، حمایت و مشارکت دارد. مددکاران اجتماعی موظف‌اند این حقوق را از طریق خدمات مستقیم، دفاع از سیاست‌ها و مشارکت در جامعه حمایت کنند. مددکاران اجتماعی نقش واسطه‌ای میان کودکان و نظام‌های تأثیرگذار





● فقدان شایستگی فرهنگی در میان متخصصان.

● بار کاری سنگین و فرسودگی شغلی در میان مددکاران اجتماعی.

داشته باشد. آنها نیاز به رویکردهای تازه برای مقابله با آسیب‌هایی که کودکان و خانواده‌ها با آن مواجه هستند را شناسایی می‌کنند تا از طریق آن، شیوه‌هایی را توسعه دهند که با پیامدهای فقر و محرومیت به‌طور مؤثر مقابله کنند (موریس و دیگران، ۲۰۱۸).

از سویی نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که فقر در عمل به‌عنوان یک عامل خطر نادیده گرفته شده است، بخشی از این امر به دلیل کمبود دانش پژوهشی به‌روز و سرمایه‌گذاری ناکافی در این حوزه است. پژوهشگران استدلال می‌کنند که با توجه به شواهد موجود، ضروری است که مددکاری اجتماعی با شواهد موجود درگیر شود و بازتاب انتقادی درباره مداخله در زمینه فقر

گزارش یونیسف حاکی از آن است که در سال ۲۰۲۳، نزدیک به ۹۳ میلیون کودک زیر ۱۵ سال در سراسر جهان دچار تأخیر یا ناتوانی‌های رشدی متوسط یا شدید هستند. به‌علاوه، تقریباً ۱ میلیارد کودک در سطح جهانی در شرایط فقر چندبعدی زندگی می‌کنند و از ضروریات اولیه مانند غذا، آب، سرپناه، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی محروم هستند.



و نیازهای اساسی آنان کمک می‌نماید. در ادامه، برخی از مهم‌ترین راهکارها و اقداماتی که دولت‌ها می‌توانند برای تخصیص بودجه بیشتر به کودکان کم‌برخوردار اتخاذ کنند، ارائه شده است:

اولویت‌دهی به کودکان در سیاست‌های بودجه‌ریزی

دولت‌ها باید در فرآیند برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه، کودکان کم‌برخوردار را به عنوان اولویت اصلی در نظر بگیرند. این امر می‌تواند از طریق ارزیابی نیازهای اساسی کودکان آسیب‌پذیر و تخصیص منابع بیشتر به بخش‌های مرتبط با آموزش، بهداشت، تغذیه و خدمات اجتماعی برای آنان صورت پذیرد. به عنوان نمونه، دولت‌ها می‌توانند منابع بیشتری برای خدمات بهداشتی و آموزشی برای کودکان محروم در مناطق روستایی و کم‌برخوردار تخصیص دهند.

اعطای مشوق‌های مالی برای برنامه‌های اجتماعی

دولت‌ها می‌توانند برای سازمان‌های غیردولتی و برنامه‌های اجتماعی که بر حمایت از کودکان کم‌برخوردار متمرکز

در این راستا برخی کشورها برای حمایت از کودکان کم‌برخوردار راهبردهایی را اتخاذ کرده‌اند که می‌تواند راهگشا باشد به عنوان نمونه در نروژ، رویکردی مبتنی بر محوریت کودک در خدمات رفاه اجتماعی، به صدای کودک اولویت می‌دهد و یا در آفریقای جنوبی، حمایت اجتماعی با آموزش و سلامت یکپارچه شده تا نظامی حمایتی جامع ایجاد شود. در بخش‌هایی از آمریکای لاتین، مدل‌های مراقبت مبتنی بر جامعه خانواده‌ها را توانمند کرده و وابستگی به مراقبت‌های نهادی را کاهش داده‌اند.

برای تقویت حقوق کودکان کم‌برخوردار در مددکاری اجتماعی باید:

راهکار اول: سرمایه‌گذاری دولت در خدمات حمایت از کودک افزایش یابد.

دولت‌ها نقشی حیاتی در تخصیص منابع مالی و ایجاد شرایط مناسب برای بهبود وضعیت کودکان کم‌برخوردار ایفا می‌کنند. برای تخصیص بودجه بیشتر به این گروه از کودکان، دولت‌ها می‌توانند از روش‌های مختلفی استفاده کنند که به تأمین حقوق





طریق نهادهای بین‌المللی نظیر یونیسف، بانک جهانی و سازمان بهداشت جهانی تأمین شود. دولت‌ها باید بر روی پروژه‌های بین‌المللی ویژه کودکان تمرکز کرده و منابع مالی بیشتری از طریق همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه جذب نمایند.

گسترش مالیات و درآمدهای پایدار

دولت‌ها می‌توانند با اعمال سیاست‌های مالیاتی که از گروه‌های پردرآمد یا شرکت‌های بزرگ ترغیب به پرداخت مالیات بیشتر می‌کنند، منابع جدیدی برای تخصیص به برنامه‌های حمایتی کودکان کم‌برخوردار ایجاد کنند. همچنین، استفاده از منابع پایدار درآمدی نظیر مالیات بر مصرف کالاهای لوکس می‌تواند کمک کند که بودجه‌های بیشتری به بخش‌های اجتماعی تخصیص یابد.

افزایش شفافیت و نظارت در بودجه‌ریزی

دولت‌ها باید شفافیت بیشتری در تخصیص بودجه‌ها به بخش‌های حمایتی کودکان ایجاد نمایند. این شفافیت می‌تواند از طریق ایجاد

هستند، مشوق‌های مالی ایجاد کنند. این مشوق‌ها می‌توانند شامل بودجه‌های اضافی، کمک‌های مالی یا تسهیلات مالیاتی باشند. این اقدامات موجب افزایش منابع در دسترس برای سازمان‌های مردمی و بهبود تأثیرگذاری برنامه‌ها خواهند شد.

جلب مشارکت‌های بین‌المللی و همکاری‌های دوجانبه

دولت‌ها می‌توانند از کمک‌های بین‌المللی برای حمایت از کودکان کم‌برخوردار بهره‌برداری کنند. این کمک‌ها می‌تواند از

موانع متعددی در مسیر حمایت مؤثر از حقوق کودکان کم‌برخوردار وجود دارد مانند: کمبود بودجه و منابع برای برنامه‌های رفاه کودک، تبعیض نهادی و نابرابری‌های سیستماتیک، فقدان شایستگی فرهنگی در میان متخصصان و بار کاری سنگین و فرسودگی شغلی در میان مددکاران اجتماعی.



هستند که می‌توانند به کاهش تبعیض‌های آموزشی و ارتقاء فرصت‌های برابر برای کودکان کم‌برخوردار کمک کنند.

حمایت از طرح‌های فقرزدایی

دولت‌ها باید از طرح‌های فقرزدایی حمایت کنند که در آن تأکید ویژه‌ای بر بهبود شرایط زندگی کودکان کم‌برخوردار داشته باشد. این طرح‌ها می‌توانند شامل برنامه‌های حمایتی مانند توزیع مواد غذایی، تأمین مسکن مناسب، و خدمات بهداشتی برای خانواده‌های کم‌درآمد باشند.

راهکار دوم: آموزش مبتنی بر حقوق کودک در برنامه‌های آموزشی مددکاری اجتماعی گنجانده شود.

در این راستا دو رویکرد وجود دارد:

۱) آموزش حقوق کودک به‌عنوان راهبردی برای اجرا:

در این رویکرد، آموزش حقوق کودک به‌منزله وسیله‌ای برای اجرای مفاد کنوانسیون حقوق کودک^۲ (UNCRC) در نظر گرفته می‌شود. هدف آن، آگاه‌سازی کودکان درباره حقوق‌شان است تا بتوانند آنها را مطالبه کنند

سامانه‌های نظارتی و گزارش‌دهی منظم در خصوص استفاده از منابع مالی به منظور بهبود وضعیت کودکان صورت گیرد. نظارت مستمر بر عملکرد دستگاه‌ها و اطمینان از رسیدن منابع به کودکان کم‌برخوردار، تضمین‌کننده استفاده بهینه از منابع خواهد بود.

گنجانیدن حقوق کودکان در دستورکار سیاست‌های کلان اقتصادی

دولت‌ها باید حقوق کودکان را به‌عنوان یک عنصر اساسی در سیاست‌های کلان اقتصادی خود بگنجانند. این اقدام می‌تواند شامل پیش‌بینی نیازهای اساسی کودکان در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اصلاحات ساختاری و تشویق به سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی برای کودکان باشد.

تخصیص بودجه به آموزش و پرورش رایگان

دولت‌ها باید بودجه بیشتری را به آموزش و پرورش کودکان کم‌برخوردار اختصاص دهند تا دسترسی به آموزش‌های باکیفیت و مدارس برای آنان فراهم شود. تخصیص بودجه به مدارس در مناطق محروم، کاهش هزینه‌های تحصیل و فراهم آوردن امکانات آموزشی برای کودکان با نیازهای خاص، اقداماتی





می‌کنند و معتقدند که آموزش حقوق کودک باید به‌عنوان یک کنش اجتماعی در مددکاری اجتماعی مطرح شود که در آن، تفکر انتقادی و مشارکت فعال کودکان ترویج داده می‌شود (ریناثر، بوورنه-ده بیه، واندولده ۲۰۱۰) در حقیقت مشارکت کودکان باید به‌عنوان یک اصل اخلاقی و عملی در مددکاری اجتماعی پذیرفته شود. کودکان نه تنها دریافت‌کنندگان خدمات هستند، بلکه باید در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، مشارکت فعال داشته باشند (کوشر، بن-آریه و هندلسمن ۲۰۱۶)

راهکار سوم: مدل‌های مداخله‌ای میان‌رشته‌ای و پاسخگو به فرهنگ، طراحی گردد.

به عنوان نمونه Empowerkids یک ابزار دیجیتال بازی‌محور (gamified app) است که با هدف ارتقاء سلامت و رفاه کودکان ۶ تا ۱۲ ساله از خانواده‌های کم‌درآمد طراحی شده است. این ابزار به متخصصان حوزه‌های سلامت، آموزش و خدمات اجتماعی کمک می‌کند تا در فضایی تعاملی و دوستانه، با کودکان درباره‌ی

مطالعه یک پژوهش در کشور هندوستان نشان می‌دهد که سازمان‌های غیردولتی با استفاده از روش‌های آموزشی خلاقانه و مشارکتی، توانسته‌اند به بهبود کیفیت آموزش و توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی کودکان محروم کمک کنند.

۲ آموزش حقوق کودک به‌عنوان کنش اجتماعی:

این رویکرد بر توانمندسازی کودکان برای مشارکت فعال در جامعه تأکید دارد و آنها را به‌عنوان عاملیت‌های تغییر اجتماعی به رسمیت می‌شناسد.

پژوهشگران استدلال می‌کنند که رویکرد نخست ممکن است آموزش حقوق کودک را به فرایندی فنی و اداری تقلیل دهد و زمینه‌های اجتماعی-سیاسی گسترده‌تر را نادیده بگیرد. آنها از رویکرد دوم حمایت





راهکار چهارم: مشمولیت و فراگیری سامانه‌های حمایت اجتماعی

سامانه‌های حمایت اجتماعی که با رویکرد مبتنی بر حقوق طراحی شده‌اند، باید در طراحی، اجرا و ارزیابی خود، شمول و فراگیری را در نظر بگیرند تا اطمینان حاصل شود که همه افرادی که از تبعیض ساختاری رنج می‌برند مانند زنان، کودکان، سالمندان، افراد دارای معلولیت، اقلیت‌های قومی، مردمان بومی و افراد مبتلا به HIV/AIDS بتوانند به آنها دسترسی داشته باشند، و در عین حال دریافت‌کنندگان این خدمات دچار انگ‌زنی و برچسب‌زنی نشوند. به دلیل عوامل مختلفی مانند موقعیت جغرافیایی، جنسیت، سن، توانایی جسمی و تابعیت، برخی گروه‌ها با محرومیت‌های خاصی مواجه هستند. برخی از این شرایط ممکن است مادام‌العمر باشند، مانند قومیت، و برخی دیگر ممکن است در طول چرخه زندگی تغییر کنند، مانند سن. بنابراین، سیاست‌گذاران باید اقدامات مناسبی

وضعیت سلامت، سبک زندگی و نیازهای روان اجتماعی آنها گفت‌وگو کنند.

ویژگی‌های اصلی ابزار:

● دارای رابط کاربری کودک‌پسند و جذاب برای ایجاد احساس امنیت در کودک

● طراحی شده برای تشویق به خود بیان‌گری در کودکان

● ابزار ارزیابی جامع شامل مؤلفه‌های:

- تغذیه
- فعالیت بدنی
- احساسات و روابط اجتماعی
- بهداشت فردی

● پشتیبانی از تصمیم‌گیری حرفه‌ای متخصصان از طریق گردآوری داده‌های کیفی از دیدگاه کودک



که رویکردهای آموزشی سنتی ممکن است برای این گروه از کودکان مؤثر نباشند و نیاز به روش‌های نوآورانه و متناسب با شرایط آنها وجود دارد. در این راستا، سازمان‌های غیردولتی (NGOs) نقش مهمی در ارائه آموزش‌های با کیفیت و متناسب با نیازهای کودکان محروم ایفا می‌کنند.

مطالعه یک پژوهش در کشور هندوستان نشان می‌دهد که سازمان‌های غیردولتی با استفاده از روش‌های آموزشی خلاقانه و مشارکتی، توانسته‌اند به بهبود کیفیت آموزش و توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی کودکان محروم کمک کنند. این رویکردها شامل استفاده از بازی‌های آموزشی، فعالیت‌های هنری، و مشارکت فعال والدین در فرآیند آموزشی می‌باشد. این پژوهشگران نتیجه‌گیری می‌کنند که برای تحقق توسعه پایدار و فراگیر در حوزه آموزش، لازم است که سیاست‌گذاران و مسئولان آموزشی به اهمیت رویکردهای پداگوژیک متناسب با نیازهای کودکان محروم توجه ویژه‌ای داشته باشند و از تجربیات موفق سازمان‌های غیردولتی در این زمینه بهره‌برداری کنند (کومار دوتا و تالیگانکار ۲۰۲۲).

را برای غلبه بر این موانع در نظر بگیرند. در طراحی سامانه‌ها و برنامه‌های حمایت اجتماعی، سیاست‌گذاران باید بر اولویت دادن به رفع نابرابری قدرت میان افراد آسیب‌پذیر و جمعیت عمومی تأکید کنند تا از گنجاندن واقعی این افراد در ساختارهای اجتماعی اطمینان حاصل شود.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳ (CESCR) تصریح می‌کند که دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۴ (ICESCR) موظفند به‌طور تدریجی حق برخورداری از تأمین اجتماعی را برای همه افراد داخل قلمرو خود تضمین کنند، و حفاظت ویژه‌ای را برای افراد و گروه‌های محروم و به حاشیه رانده‌شده فراهم آورند (تفسیر عمومی شماره ۱۹، بند ۳۱).

راهکار پنجم: متناسب‌سازی آموزش با ویژگی‌های خاص کودکان محروم و کم‌برخوردار

استفاده از رویکردهای پداگوژیک متناسب با نیازهای یادگیری کودکان محروم از جمله اولویت‌های مهم در حمایت از کودکان کم‌برخوردار است. پژوهشگران بیان می‌کنند



مطالعه یک پژوهش در کشور هندوستان نشان می‌دهد که سازمان‌های غیردولتی با استفاده از روش‌های آموزشی خلاقانه و مشارکتی، توانسته‌اند به بهبود کیفیت آموزش و توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی کودکان محروم کمک کنند.





آموزش، به آنها کمک می‌کند تا از تحصیل فرزندان‌شان حمایت کنند.

● **آموزش در دوران کودکی:** فراهم کردن پایه‌گذاری قوی در دوران کودکی، به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های حیاتی را قبل از ورود به مدرسه رسمی توسعه دهند.

● **بهبود امکانات آموزشی:** سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، مانند محیط‌های یادگیری ایمن، کتاب‌های درسی و ابزارهای ضروری آموزشی، امری ضروری است.

● **آموزش معلمان:** معلمان در جوامع کم‌درآمد به آموزش ویژه نیاز دارند تا با چالش‌های منحصر به فرد دانش‌آموزان خود مقابله کنند.

● **برنامه‌های توسعه شخصیت و مهارت:** این برنامه‌ها به تقویت مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس و توانمندی‌های شغلی کمک می‌کنند و دانش‌آموزان را برای موفقیت‌های تحصیلی و شغلی در آینده آماده می‌سازند.

آموزش ابزاری قدرتمند است که می‌تواند چرخه فقر را برای کودکان کم‌برخوردار بشکند. این ابزار درهای فرصت‌های بهتر، سلامت بهبود یافته و آینده‌ای روشن‌تر را باز می‌کند. با این حال، کودکان کم‌برخوردار به دلیل فقر، موانع اجتماعی و کمبود منابع، اغلب به آموزش با کیفیت دسترسی ندارند.

در هند، با وجود پیشرفت‌ها در کاهش بی‌سوادی، میلیون‌ها کودک هنوز قادر به دسترسی به آموزش نیستند. علل ریشه‌ای این مشکل شامل بی‌سوادی والدین، فقر که کودکان را مجبور به کار می‌کند تا به مدرسه نروند و نرخ بالای ترک تحصیل است. دختران به ویژه با چالش‌های اضافی روبه‌رو هستند، از جمله کشیده شدن از مدرسه برای انجام کارهای خانگی یا ازدواج زودهنگام. برای مقابله با این چالش‌ها، چندین اقدام می‌تواند به بهبود آموزش برای کودکان کم‌برخوردار کمک کند. این اقدامات عبارتند از:

● **جلسات رایگان برای والدین/سرپرستان:** آموزش والدین در مورد اهمیت



● استفاده از فناوری دیجیتال برای ردیابی وضعیت سلامت کودکان

● ارزیابی مستمر کیفیت خدمات

۳- ایجاد سیاست‌های چندبخشی:

● همکاری میان نهادهای سلامت، آموزش، تغذیه، و حمایت اجتماعی

● رویکرد جامع به رفاه کودک

۴- تضمین مشارکت جامعه:

● درگیر کردن خانواده‌ها و جامعه در طراحی و ارزیابی خدمات

● افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق کودکان

۵- تأمین مالی پایدار و هدفمند:

● تخصیص بودجه منصفانه و مبتنی بر نیاز به مناطق محروم

● مشارکت دولت و بخش خصوصی برای ایجاد عدالت در ارائه خدمات (کروک و همکاران، ۲۰۲۲)



سازمان‌هایی مانند CRY India نقش حیاتی ایفا می‌کنند با ثبت‌نام کودکان در مدارس و ارائه حمایت‌های تحصیلی. آنها همچنین مشکلاتی مانند کار کودکان، ازدواج کودکان و سوءتغذیه که مانع از حضور کودکان در مدرسه می‌شود را برطرف می‌کنند. از طریق رویکرد جامع خود، CRY هزاران کودک را در ادامه تحصیل حفظ کرده و به شکستن چرخه فقر کمک می‌کند.

راهکار ششم: ارائه خدمات یکپارچه بهداشتی، آموزشی و مراقبتی

در بسیاری از جوامع کم‌برخوردار، کودکان و نوجوانان به دلیل مشکلات مختلفی مانند کمبود منابع مالی، دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و مشکلات اجتماعی، نمی‌توانند از خدمات سلامت و رفاه اجتماعی مناسب بهره‌مند شوند. در این راستا، خدمات یکپارچه بهداشتی و مراقبت اجتماعی، که شامل ترکیبی از خدمات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی است، به عنوان یک راهکار برای بهبود کیفیت زندگی این گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (برد و همکاران، ۲۰۲۵). از سویی نکته مهم این است که برای بهبود سلامت و رشد کودکان و نوجوانان، تنها افزایش دسترسی به خدمات کافی نیست، بلکه باید کیفیت خدمات نیز ارتقا یابد. به عنوان نمونه برخی نوآوری‌های ساختاری می‌تواند به شکل ذیل باشد:

۱- تقویت نیروی انسانی سلامت:

● آموزش و حفظ پرسنل با مهارت‌های خاص کودک‌محور

● پرداخت عادلانه و انگیزه‌بخش

۲- بهبود سیستم‌های داده و اطلاعات سلامت:





در وضعیت کودکان کم‌برخوردار ایجاد کنند.

یکی از نکات مهم این است که مشارکت فعال کودکان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ارتقاء آگاهی‌های اجتماعی از حقوق کودک می‌تواند نقش مؤثری در توانمندسازی آنان ایفا کند. علاوه بر این، ایجاد سامانه‌های حمایت اجتماعی فراگیر و متناسب‌سازی آموزش‌ها با نیازهای خاص کودکان محروم از دیگر راهکارهای مؤثر در حمایت از این گروه است.

در نهایت، توجه به یکپارچگی خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی و تضمین دسترسی برابر به این خدمات برای کودکان کم‌برخوردار می‌تواند به شکستن چرخه فقر و بهبود وضعیت زندگی آنان کمک کند. با اعمال این راهکارها و ایجاد سیاست‌های حمایتی جامع، می‌توان به تحقق حقوق کودکان کم‌برخوردار و ارتقاء رفاه اجتماعی آنان در جامعه کمک کرد.

مقاله حاضر به بررسی حقوق کودکان کم‌برخوردار در حوزه مددکاری اجتماعی و چالش‌ها و راهکارهای مربوط به حمایت از این گروه آسیب‌پذیر پرداخته است. کودکان کم‌برخوردار، به ویژه در زمینه‌های فقر، بی‌سرپرستی و تبعیض، با مشکلات عمده‌ای در دسترسی به حقوق اساسی انسانی خود روبه‌رو هستند. در این راستا، مددکاری اجتماعی به‌عنوان یک حرفه متعهد به عدالت اجتماعی و حقوق بشر، نقش محوری در دفاع از این حقوق و تضمین اجرای آنها دارد.

با توجه به چالش‌های موجود، مانند کمبود منابع، تبعیض‌های نهادی، و فشارهای شغلی بر مددکاران اجتماعی، نیاز به رویکردهای نوآورانه و اقدامات ساختاری در جهت تقویت حمایت از حقوق کودکان کم‌برخوردار احساس می‌شود. راهکارهای مختلفی نظیر افزایش سرمایه‌گذاری دولت در خدمات حمایت از کودک، گنجاندن آموزش حقوق کودک در برنامه‌های آموزشی مددکاری اجتماعی، و طراحی مدل‌های مداخله‌ای میان‌رشته‌ای می‌توانند بهبود قابل توجهی





1. Bird, C., Harper, L., Muslim, S., Yates, D., & Litchfield, I. (2025). Exploring the design and impact of integrated health and social care services for children and young people living in underserved populations: A systematic review. *BMC Public Health*, 25, 1359. <https://doi.org/10.1186/s12889-025-1365-x>
2. Bywaters, P., Featherstone, B., Morris, K., et al. (2016). Inequalities in child welfare intervention rates: The role of deprivation and the implications for social work. *British Journal of Social Work*, 46(3), 693-709.
3. Child Commissioner for Wales. (2020). A children's rights approach to tackling poverty.
4. Dutta, K. K., & Talegaonkar, V. (2020). Pedagogy for the educational development of underprivileged children – A case study of NGOs engaged in the educational development of underprivileged children. *IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS)*, 27(4), 63–70. <https://doi.org/10.9790/0837->
5. Kosher, H., Ben-Arieh, A., & Hendelsman, Y. (2016). Social work and children's rights: A theoretical and ethical view. In *Children's Rights and Social Work* (pp. 19–27). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-43920-4_3
6. Kruk, M. E., Lewis, T. P., Arsenaault, C., Bhutta, Z. A., Irimu, G., Jeong, J., et al. (2022). Improving health and social systems for all children in LMICs: Structural innovations to deliver high-quality services. *The Lancet*, 399(10337), 1830–1844. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(22\)00387-7](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(22)00387-7)
7. Morris, K., Mason, W., Bywaters, P., Featherstone, B., Daniel, B., Brady, G., Bunting, L., Hooper, J., Mirza, N., Scourfield, J., & Webb, C. (2018). Social work, poverty, and child welfare interventions. *Child and Family Social Work*, 23(3), 364–372. <https://doi.org/10.1111/cfs.12423>
8. Mushunje, M. (2016). The role of social work in the protection of vulnerable children: Lessons from Zimbabwe. In C. Matthais & N. Zaal (Eds.), *Child Justice in South Africa* (pp. xx-xx). Routledge.
9. Reynaert, D., Bouverne-De Bie, M., & Vandeveld, S. (2010). Children, rights and social work: Rethinking children's rights education. *Social Work & Society*, 8(1), 1–14.
10. Save the Children. (2015). Making social work work.
11. United Nations. (1989). Convention on the Rights of the Child. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/convention-rights-child>
12. UNICEF. (2022, June 15). Adolescents twice as likely to be out of school as children of primary school age, says UNESCO and UNICEF. Retrieved from https://www.unicef.org/turkiye/en/press-releases/adolescents-twice-likely-be-out-school-children-primary-school-age-say-unesco-and?utm_source=chatgpt.com
13. UNICEF. (2021, November 18). At least 30 million children out of school in the Middle East and North Africa. Retrieved from https://www.unicef.org/mena/press-releases/least-30-million-children-out-school-middle-east-and-north-africa?utm_source=chatgpt.com
14. UNICEF. (2023). Health and child development. Retrieved from https://www.unicef.org/health/health-and-child-development?utm_source=chatgpt.com
15. UNICEF. (2023). UNICEF Annual Report 2023. Retrieved from https://www.unicef.org/reports/unicef-annual-report-2023?utm_source=chatgpt.com
16. UNICEF. (2022). Child poverty. Retrieved from https://www.unicef.org/social-policy/child-poverty?utm_source=chatgpt.com
17. UNICEF. (2022). Global trends in child monetary poverty. Retrieved from https://www.unicef.org/media/144856/file/Global%20trends%20in%20child%20monetary%20poverty.pdf?utm_source=chatgpt.com





روفیا تیگرری

دبیر هنری

اکودک ستاره‌ها

کودک ستاره‌ها بازیگرانی هستند که به واسطه شغل والدین خود از همان خردسالی با صحنه نمایش آشنا می‌شوند و یا به خواسته یکی از والدین وارد حرفه نمایش می‌شوند.

بازی درخشان این کودک ستاره‌ها بازیگران بزرگسال را به حاشیه می‌برد و فیلم به واسطه حضور این بازیگران خردسال است که به پیش می‌رود.

بعضی از این کودک ستاره‌ها در دوران حرفه‌ای خود از نظر جسمی و روانی دچار آسیب‌هایی می‌شوند که تا آخر عمر دست از سرشان بر نمی‌دارد.

برخی از این کودک ستاره‌ها در بزرگسالی هم راه موفقیت را طی می‌کنند و همان محبوبیت دوران خردسالی را حفظ می‌کنند برخی دیگر هرگز آن شهرت دوران خردسالی را نخواهند داشت.



ابرستاره‌ای کوچولو

اولین فیلمش را در ۳ سالگی بازی می‌کند. در ۶ سالگی به اوج محبوبیت می‌رسد به حدی که عروسک‌های شبیه او ۱/۵ میلیون عدد به فروش می‌رسد و هم چنین مدل لباس‌هایی که در فیلم‌ها به تن می‌کند در فروشگاه‌های لباس کودک فروش فراوانی دارد. در ۸ سالگی به یک ابرستاره تبدیل می‌شود و حضورش تضمینی برای فروش فیلم‌ها است و در ۱۲ سالگی بیش از ۴۰ فیلم در کارنامه هنری خود دارد.

شرلی تمپل از موفق‌ترین بازیگران خردسال و محبوب‌ترین کودک-ستاره‌های تاریخ سینما است. او با چهره شیرین و موهای فرفری خود در دوران رکود اقتصادی آمریکا به مدت ۴ سال پول‌سازترین بازیگر هالیود بود و به تنهایی توانست کمپانی فاکس قرن بیستم را

از ورشکستگی نجات دهد. پرنسس کوچک هالیود در ۶ سالگی موفق به دریافت جایزه اسکار شد. فرانکلین روزولت رئیس جمهور آمریکا به او لقب «خانم معجزه کوچولو» داد

تمپل از سوی انستیتو فیلم آمریکا به عنوان هجدهمین بازیگر بزرگ زن تاریخ سینما انتخاب شد.

تمپل تا به امروز جوان‌ترین فردی است که جایزه آکادمی علوم و هنرهای سینمایی را دریافت کرده است. هیچ کودکی چه قبل و چه بعد از شرلی تمپل نتوانست چنین محبوبیتی به دست آورد و اسکار ویژه را برای خدماتی که به سینما کرده بود دریافت کند.

شرلی تمپل از موفق‌ترین بازیگران خردسال و محبوب‌ترین کودک-ستاره‌های تاریخ سینما است.



پردرآمدترین بازیگر زن جهان

اما استون در فهرست پردرآمدترین

بازیگر سینمای جهان قرار دارد.

اما استون قبل از آن که بازیگر معرفی شود کارهای متفاوتی را تجربه کرده است. استون در یک برنامه آنلاین برای دختران نوجوان مطلب می‌نوشت. وی هم چنین اظهار داشت که اگر بازیگر نمی‌شد به روزنامه‌نگاری می‌پرداخت.

زیرا او فکر می‌کند که بازیگری و روزنامه نگاری مانند هم هستند از این نظر که شما در چشم مردم نگاه می‌کنید و زندگی آنها را به نقد می‌کشید. اما استون در فهرست پردرآمدترین بازیگر زن سینمای جهان قرار دارد.

در ۶ سالگی در فیلمی موزیکال ایفای نقش می‌کند. در ۱۱ سالگی روی صحنه تئاتر ظاهر می‌شود. در ۱۶ سالگی به طور حرفه‌ای بازیگری روی صحنه تئاتر را دنبال می‌کند. در هشتاد و نهمین دوره از جوایز اسکار برای بازی در فیلم لالاند برنده جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن می‌شود.

لالاند یکی از ۱۰ فیلم برتر سال ۲۰۱۶ نخستین فیلم در تاریخ سینما است که توانست ۷ جایزه گلدن گلوب را از آن خود کند. دو بازیگر اصلی آن رایان گاسلینگ و اما استون هر یک در بخش بهترین بازیگر زن و مرد موفق به کسب جایزه شدند. لالاند ضمن نامزد شدن برای جوایز متعدد شماری از آنها را به دست آورد که مهم‌ترین آنها جایزه اسکار برترین بازیگر زن است که به اما استون تعلق گرفت.





بزرگ‌ترین افسانه سینمای کلاسیک

لمبارد یک شگفتی واقعی را اثبات می‌کند. او یکی از محبوب‌ترین و پر درآمدترین ستارگان هالیود بود.

او یکی از اولین ستاره‌های دوران استودیو بود که توانست استقلال بیشتری در انتخاب نقش‌ها داشته باشد. هم چنین او اولین ستاره‌ای بود که پیشنهاد مشارکت در سود حاصل از فروش فیلم را مطرح کرد.

کارول لمبارد یکی از پنجاه بازیگر برتر جهان است که در صدر این فهرست کلارک گیبل قرار دارد. استعداد فوق‌العاده او در عرصه کمدی و صحنه‌پذیر است و از بازی در این سبک هیچ ابایی نداشت.

زندگی بسیار کوتاه اما درخشانی را سپری کرد. زندگی او به طرز غم‌انگیزی در سی و سه سالگی به پایان رسید.

پا به پای کمدین‌های مرد به شوخی و بذله‌گویی پرداخت تا نام خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازیگران کمدی برای همیشه در تاریخ سینما ثبت کند.

او همسر کلارک گیبل سلطان هالیود بود و تنها زنی بود که گیبل از صمیم قلب دوستش داشت.

کارول لمبارد در ۱۲ سالگی در حالی که با دوستانش بیس‌بال بازی می‌کند مورد توجه آلن دوان کارگردان قرار می‌گیرد. یک پسر بچه کوچک زیبا به نظر می‌رسید. آنجا بچه‌های دیگری هم بودند اما بیس‌بال او از همه بهتر بود.

اولین فیلمش را در ۱۲ سالگی بازی می‌کند. او با بازی در چند فیلم کمدی موفق می‌شود تا سبک خود را در این حرفه ادامه دهد. حضور او در فیلم‌ها تضمینی بود برای فروش بالا. نشریه فیلم روزانه در باره او نوشت: «کارول

کارول لمبارد از اولین ستاره‌های

دوران استودیو بود که توانست

استقلال بیشتری در انتخاب نقش‌ها

و تصمیم‌گیری‌های استودیو باشد.



همیشه ستاره

الیزابت بعدها از این فیلم به عنوان هیجان‌انگیزترین فیلم دوران حرفه‌ای خود یاد می‌کند و هم چنین یادآور می‌شود که با بازی در سینما، کودکی‌اش به پایان رسید. چون ام جی ام تمام جنبه‌های زندگی او را کنترل می‌کرد. در آنجا ملزم بود به برنامه روزانه سفت و سختی پایبند باشد. روزها به حضور در مدرسه و محوطه استودیو می‌گذشت و عصرها در کلاس‌های رقص، آواز و تمرین...

الیزابت تیلور از سوی انستیتو فیلم آمریکا به عنوان هفتمین بازیگر بزرگ زن سینما انتخاب می‌شود.

راک هادسن یکی از چهره‌های محبوب عصر طلایی هالیود، دوست و همبازی الیزابت تیلور در بسیاری از فیلم‌ها بود. در سال ۱۹۸۴ تشخیص داده می‌شود که هادسن به ایدز مبتلا شده است. او یکی از نخستین افراد

اولین فیلمش را در ۸ سالگی بازی می‌کند. در ۱۲ سالگی در فیلم «دلت ملی» در نقش دختری ظاهر می‌شود که می‌خواهد در مسابقه بزرگ ملی مخصوص مردان شرکت کند. فیلم مورد استقبال سینما دوستان و منتقدان قرار می‌گیرد و گیشه‌ها را فتح می‌کند. نیویورک تایمز می‌نویسد: «تمام حرکات و رفتار او در این فیلم سرشار از زیبایی و طراوت است.»

الیزابت تیلور ۱۲ ساله هنگام بازی در این فیلم از ناحیه پشت دچار شکستگی می‌شود و آسیب ناشی از آن درد مزمن است که تا آخر عمر همراه اوست.





الیزابت تیلور در سال ۱۹۹۱ بنیاد ایدز الیزابت تیلور را برای بالا بردن سطح آگاهی و فراهم کردن خدمات حمایتی از بیماران تأسیس می‌کند و کلیه مخارج آن را خود بر عهده می‌گیرد.

مراقبتی در کلینیک ویتمن-واکر در واشنگتن دی سی و صندوق تأمین مالی الیزابت تیلور را برای مرکز پژوهشی، آموزشی بالینی ایدز دانشگاه یوسی ال ای، در لس آنجلس تأسیس کرد.

الیزابت تیلور به پاس خدمات بشر دوستانه خود موفق به دریافت جوایز بسیاری شد. در سال ۱۹۸۷ نشان شوالیه فرانسه، لژیون دولور را دریافت کرد و در سال ۱۹۹۳، جایزه بشر دوستانه جین هرشولت، در سال ۱۹۹۷، جایزه یک عمر دستاورد صنعت بازیگران سینما را برای خدمات بشر دوستانه و در سال ۲۰۰۱، مدال شهروندان ریاست جمهوری به وی اهدا شد.

مشهوری بود که تشخیص ایدز خود را به طور رسمی اعلام کرد.

الیزابت تیلور همزمان با ابتلای هادسن به ایدز فعالیت‌های بشر دوستانه خود را در جهت مبارزه با این بیماری آغاز می‌کند.

الیزابت، رئیس جمهور وقت رونالد ریگان را متقاعد می‌کند تا برای به رسمیت شناختن این بیماری برای اولین بار در سال ۱۹۸۷ سخنرانی کند.

در سال ۱۹۹۱ الیزابت تیلور بنیاد ایدز را برای بالا بردن سطح آگاهی و فراهم کردن خدمات حمایتی از بیماران تأسیس می‌کند و کلیه مخارج آن را خود بر عهده می‌گیرد.

او همچنین مرکز پزشکی الیزابت تیلور را برای ارائه تست رایگان اچ آی وی و خدمات



ستاره‌ای متولد می‌شود

بدل می‌شود ولی از سوی استودیو در مورد ظاهر و وزنش تحت فشار بود. آنها به او آمفتامین می‌دادند تا میزان انرژی‌اش بالا رود و وزنش کنترل شود.

متأسفانه جودی گارلند به داروهایی که به او می‌دهند وابسته می‌شود و از سوی دیگر به دارویی برای خوابیدن هم نیاز پیدا کرد. مشکلات مربوط به مصرف دارو در تمام عمر او را به ستوه آورده بود.

در فیلم موزیکال «جادوگر شهر آز» در نقش دوروتی دختری که از کانزاس به شهر آز می‌رود با هنرمندی تمام استعداد بازیگری و آوازخوانی خود را به تماشا می‌گذارد و برای نقش آفرینی در این فیلم موفق به دریافت جایزه ویژه اسکار می‌شود.

در خانواده‌ای هنرمند به دنیا می‌آید. والدین او در کار نمایش‌های واریته (موزیکال همراه با رقص) بودند. بنابراین او از خردسالی با صحنه نمایش آشنا می‌شود و برای نخستین بار در ۲/۵ سالگی برای خواندن ترانه به روی صحنه می‌رود. جودی که کوچکترین فرزند خانواده بود به بیبی گام معروف می‌شود... او به همراه دو خواهر بزرگترش سوزی و جیمی در نمایش‌های بسیاری ایفای نقش کردند.

در ۱۳ سالگی با کمپانی ام جی ام (متروگلدین مایر) قرارداد می‌بندد و به هنرمندی مستقل



آن نمی‌شود. گارلند به قدری دل شکسته شد که هرگز به درستی التیام نیافت.

مجله اینترتینمنت ویلیک او را در جایگاه بیست و سوم بزرگترین ستاره‌های سینما در تمام زمان‌ها قرار داد.

انستیتوی فیلم آمریکا او را هشتمین بازیگر زن از فهرست ۵۰ نفره بزرگترین اسطوره‌های سینما نامید.

نقش آفرینی او در «جادوگر شهرآز» و «ستاره‌ای متولد می‌شود» از سوی مجله پریمیر به ترتیب در رتبه ۱۷ و ۷۲ از فهرست ۱۰۰ گانه اجراهای تمام زمان‌ها قرار گرفت.

جوادی گارلند در باره حرفه اش و کار با کمپانی فیلم‌سازی ام جی ام می‌گوید:

ام جی ام ما را مجبور می‌کرد روز و شب‌ها کارکنیم. به ما قرص‌های نیروزا می‌داد تا بتوانیم مدت‌ها بعد از خستگی، سرپا بمانیم. بعد ما را به بیمارستان استودیو می‌بردند و با قرص خواب بی‌هوشمان می‌کردند... بعد از چند ساعت بیدارمان می‌کردند و دو باره قرص نیروزا می‌دادند تا بتوانیم ۷۲ ساعت دیگر یک نفس کار کنیم. کم کم احساس کردم یک اسباب بازی باری هستم.

زندگی و حرفه من مثل ترن هوایی بود؛ یا در اوج موفقیت بوده‌ام یا در فقر و شکست. به خاطر احساسی که به over the rainbow دارم، بخشی از زندگی‌ام شده است. این ترانه نماد تمام رویاها و آرزوی من است تا حدی مطمئنم به همین دلیل است که مردم وقتی آن را می‌شنوند اشک به چشمانشان می‌آید.

سرانجام این بازیگر و خواننده افسانه‌ای به علت مصرف تصادفی بیش از حد دارو در ۴۷ سالگی درگذشت.



جوادی گارلند: زندگی و حرفه

من مثل ترن هوایی بود؛ یا در

اوج موفقیت بوده ام یا در فقر و

شکست.

گارلند در فیلم «ستاره‌ای متولد می‌شود» با بازی در مقابل جیمز میسون در نقش زنی که به قیمت عشق ستاره می‌شود بازی درخشانی ارائه می‌دهد و یکی از بهترین ترانه‌هایش را در این فیلم می‌خواند و به خاطر بازی در این فیلم نامزد جایزه اسکار می‌شود اما موفق به دریافت



پاپ دوستدار سینمای نئورئالیسم ایتالیا بود «رم شهر بی دفاع» روسلینی را هم بسیار دوست داشت. او سینما را ابزاری برای کنار هم قرار دادن انسان‌ها می‌دانست.

پاپ تازه درگذشته، فهرست بلندبالایی از فیلم‌های مورد علاقه‌اش داشت، از «جشن بابت» تا «راپسودی در ماه آگوست» کوروساوا و «آندری روبلوف» تارکوفسکی.

پاپ فرانسیس در سال ۲۰۱۳ به عنوان نخستین پاپ غیراروپایی در چند قرن اخیر انتخاب شد. در دوران رهبری او واتیکان رویکرد واقع‌گرایانه‌ی را در مورد امور خارجی در پیش گرفت و در حل و فصل منازعات بین‌المللی میانجی‌گری کرد.

پاپ فرانسیس از همان ابتدای انتخابش نشان داد که رویکردی متفاوت خواهد داشت. او به جای نشستن بر تخت پاپی، کاردینال‌های خود را غیررسمی و ایستاده ملاقات کرد. پاپ فرانسیس ۱۳ مارس ۲۰۱۳ رهبر کلیسای



اخبار سینما

رابطه پاپ فرانسیس با سینما

پاپ فرانسیس که در ۸۸ سالگی و در روز عید پاک درگذشت، رابطه ویژه‌ای با سینما داشت. او از زمان کودکی خود در بوئنوس آیرس عاشق پرده نقره‌ای بود و می‌گفت که والدین او فرزندان خود را مرتب به سینما می‌بردند.

خورخه ماریو گوگلیو در سال ۱۹۳۶ در پایتخت آرژانتین از پدر و مادری ایتالیایی تبار به دنیا آمد و سینمای ایتالیا نقشی مهم در کودکی او داشت.

پاپ فرانسیس «جاده» فلینی را به عنوان فیلم مورد علاقه خود نام برده است که از نظر وی اشاره‌ای روشن به سنت فرانسیس و موضوع رنج و عشق دارد. او حتی در ماه مه سه سال گذشته، یک پیام ویدئویی به مناسبت هفتادمین سال نمایش «جاده» انتشار داد.

او اظهار داشت که فیلم‌های بسیاری از فلینی دیده، اما «جاده» همواره در قلب او جای داشته و فیلمی که با اشک آغاز می‌شود و با اشک پایان می‌گیرد.



از سوی واتیکان به راهی که پاپ‌ها در آخرین سفر خود طی می‌کنند. برخلاف پاپ‌های پیشین که در سه تابوت دفن می‌شدند، او خواسته بود که تنها در یک تابوت دفن شود.

پاپ لئون چهاردهم، پاپ آمریکایی تبار با فراخواندن جهانیان به صلح و پایان دادن به بی‌عدالتی اجتماعی نشان داد که در مسیر پاپ فرانسیس قدم خواهد گذاشت.

پاپ لئون در اولین حضور عمومی خود پس از تحلیف در میدان سن پی تیرو گفت: «وضعیت در نوار غزه نگران‌کننده و دردناک است.»

پاپ لئون گفت: «من مجدداً درخواست خود را برای اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه و پایان دادن به جنگ که بهای آن را کودکان، سالمندان و بیماران می‌پردازند، تجدید می‌کنم.»

کاتولیک شد و در بالکن مشرف به میدان پطرس مقدس ایستاد. با ردایی ساده و سفیدآسبزی، واعظ قرن سیزدهم و دوستدار حیوانات.

او مصمم بود که ساده‌زیستی را بر تجمل و جلال ترجیح دهد. به جای استفاده از لیموزین مخصوص پاپ، اصرار داشت با سایر کاردینال‌ها سوار اتوبوس شود و به خانه بازگردد.

او بیش از ۱۴۰ کاردینال از کشورهای غیراروپایی منصوب کرد و کلیسایی را برای جانشین خود به جا گذاشت که چشم‌اندازی به مراتب جهانی‌تر از کلیسایی دارد که خود وارث آن بود.

در مراسم وداع واتیکان با پاپ فرانسیس، فرشی از دیار ایران خودنمایی می‌کند. فرش هریس با زمینه قرمز، نمادی از اصالت، زیبایی و احترام. این فرش نفیس نه تنها زینت بخش فضا است که ادای احترامی است





فیلم جدید کوثر بن هنيه

این کودک ساعت‌ها در خودرو گیر افتاده و با تلفن شرایط خود را به امدادگران فلسطینی اطلاع می‌دهد.

امدادگران برای کمک به کودک عازم محل خودرو می‌شوند و اما جسد هند رجب و امدادگران پس از مدتی در محل یافت می‌شود.

نیروهای اسرائیلی این جنایت را انکار اما خبرنگاران واشنگتن پست و اسکای نیوز صحت حمله و این کشتار را تأیید می‌کنند.

ماجرای کشته شدن تراژیک هند رجب دختر ۵ ساله فلسطینی توسط ارتش اسرائیل در ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴، موضوع فیلم جدید کوثر بن هنيه، کارگردان تونس‌ای خواهد بود.

این فیلم در لوکیشن‌هایی در تونس ساخته خواهد شد. هند رجب، یکی از هزاران کودک فلسطینی است که توسط نیروهای اسرائیلی به قتل رسیده است. این کودک پنج ساله به همراه خانواده‌اش در حال فرار از غزه بودند که خودروی آنها توسط اسرائیلی‌ها مورد حمله قرار می‌گیرد و تمامی اعضای خانواده‌اش کشته می‌شوند.





جعفر پناهی برنده نخل طلای کن ۲۰۲۵

با این تصور که این همان کسی است که در زندان شکنجه‌اش داده و زندگی‌اش را نابود کرده است. او سپس در تلاش است با تأیید دیگر بازماندگان، مطمئن شود که این همان شکنجه‌گر سابق است و تصمیم بگیرد که با او چه کند.

آقای پناهی شامگاه سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه، برای نخستین بار در بیش از دو دهه گذشته بر فرش قرمز جشنواره کن حاضر شد.

عباس کیارستمی و جعفر پناهی تنها کارگردان‌های ایرانی دریافت‌کننده نخل طلای کن در تاریخ این جشنواره‌اند.

میکل آنجلو آنتونیونی و جعفر پناهی تنها کارگردان‌های تاریخ سینما شدند که جایزه نخل طلای کن، جایزه شیر طلای ونیز، جایزه خرس طلای جشنواره برلین و جایزه یوزپلنگ طلای جشنواره لوکارنو را دریافت کرده‌اند.

فیلم «یک تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی، برنده نخل طلای کن هفتاد و هشتمین جشنواره فیلم کن؛ جایزه‌ای معتبر برای فیلمساز معترضی که بیش از ۱۵ سال اجازه خروج از ایران را نداشت.

روز شنبه سوم خرداد، کیت بلانشت، بازیگر سرشناس این جایزه را به پناهی اهدا کرد و حضار پس از اعلام نام او با تشویق ایستاده پرشور از او استقبال کردند.

فیلم «یک تصادف ساده» داستان مردی به نام وحید (با بازی وحید مبصری) را روایت می‌کند که فردی با پای مصنوعی را می‌رباید



عکاسی که به فستیوال کن نرسید

«فاطمه حسونا» عکاس فلسطینی، تنها ۲۴ ساعت پس از پذیرش مستندش در جشنواره کن فرانسه، به همراه ۹ تن دیگر از اعضای خانواده‌اش در حمله اسرائیل به غزه به شهادت رسید اما نامش به سرعت در فضای مجازی، پراوازه شد. مردم کشورهای مختلف جهان به شهادت وی واکنش نشان داده و جملاتش را به زبان‌های مختلف به اشتراک گذاشتند. کاربران غربی تأکید کردند که این بانوی عکاس، واقعیت اقدامات اسرائیل از جمله نسل کشی را به تصویر می‌کشید. مستندی در مورد زندگی این عکاس با نام «جانت را کف دست بگیر و راه برو» ساخته و در جشنواره کن پذیرفته شد اما هنوز یک روز از انتشار این خبر نگذشته بود که اسرائیل وی را به شهادت رساند. فاطمه حسونا گفته بود: «می‌خواهم مرگی پر سروصدا داشته باشم که دنیا صدایم را بشنود و نمی‌خواهم فقط یک خبر فوری باشم.»



دو نخل برای «رزتا»



زندگی نمی‌کنند.

آنها حتی حاضر نیستند در هتل‌های لاکچری کن اقامت کنند. هتل‌هایی که جشنواره در اختیار کارگردان‌ها و بازیگران فیلم‌های بخش مسابقه می‌گذارد. آنها در آپارتمانی ساده اقامت داشتند.

برادران دارند، ژان پیر ۷۴ ساله و کوک ۷۱ ساله از بلژیک با ۹ جایزه از جشنواره کن شامل دو نخل طلا برای «رزتا» و «بچه».

سینماگرانی دغدغه‌مند که در تمامی فیلم‌هایشان به طبقه آسیب خورده و آدم‌های حاشیه جامعه پرداخته‌اند. سینماگرانی که همچون دیدگاه‌های جاری در فیلم‌هایشان فکر و زندگی می‌کنند. با رفتار و منش انسانی خود، کاری به زرق و برق کن ندارند. با لباس‌های ساده خود، با پای پیاده از محل اقامت خود پا به فرش قرمز گذاشتند. مگر می‌شود از درد و رنج مردم بگویی و سوار ماشین‌های لاکچری جشنواره بشوی؟ مگر می‌شود مدعی بازتاب مشکلات جامعه‌ات باشی و جواهرات و لباس‌های برند چند ده میلیاردی استفاده کنی؟

برادران دارند متعهد به بازتاب مشکلات جامعه امروز اروپا بوده و جدا از آن مردم



FESTIVAL DE CANNES



کرده است. شماری از آثار او در موزه‌های معتبر جهان نیز به نمایش در آمده‌اند.

آثار این هنرمند الهام گرفته از اشعار حافظ و مولانا و همچنین مضامین اسلامی و شیعی بودند. از جمله آثار برجسته‌اش می‌توان به «ضامن آهو»، «سخت‌ترین امتحان»، «داستان حضرت ابراهیم»، «عید غدیر»، «رمی جمره» و «عصر عاشورا» اشاره کرد.

فرشچیان نه تنها یک نگارگر، بلکه یک عارف، یک فیلسوف و یک پیام‌آور زیبایی بود. او با خلاقیت کم نظیر خود نگارگری را از شیوه سنتی بیرون کشید. هر اثر او، داستانی از عشق و عرفان است که بیننده را به سفر درونی فرا می‌خواند.

برخی از افتخارات استاد فرشچیان، انضمام نام وی در فهرست روشنفکران قرن بیست و یکم، نشان درجه یک هنر، تندیس طلایی اسکار ایتالیا، نشان نخل طلای هنر ایتالیا، دیپلم لیاقیت دانشگاه هنر ایتالیا، جایزه اول وزارت فرهنگ و هنر ایران، مدال طلای جشنواره بین‌المللی هنر بلژیک و... را می‌توان نام برد.

او در سال‌های پایانی عمرش گفته بود: «روزگاری من هم مینیاتوریست بودم ولی امروز سعی می‌کنم نقاشی باشم با احساس و روح ایرانی.»

بنا بر وصیت آقای فرشچیان او پس از بدرقه از مقابل هنرستان هنرهای زیبای اصفهان در جوار آرامگاه صائب تبریزی آرام گرفت. مراسم بدرقه این هنرمند یگانه در روز ۲۷ مرداد با حضور علاقه‌مندان، هنرمندان و ... برگزار شد.

نگارگر احساس و روح ایرانی



محمود فرشچیان از برجسته‌ترین هنرمندان نگارگری و مینیاتور ایران روز شنبه ۱۸ مرداد در آمریکا درگذشت.

فرشچیان در اصفهان چشم به جهان گشود و در مدرسه هنرهای زیبای این شهر آموزش دید. سپس در هنرستان‌های معتبر ایتالیا با تکنیک‌های مدرن غربی آشنا شد.

در طول دهه‌ها فعالیت هنری، فرشچیان توانست سبک سنتی نگارگری ایرانی را با تکنیک‌های نوین جهانی در آمیزد. محمود فرشچیان گفته بود که در نگارگری ایرانی سبک تازه‌ای به نام «فرا طبیعت‌گرایی» ابداع



شهرزاد سینمای ایران درگذشت

کبری امین سعیدی، مشهور به شهرزاد، بازیگر و یکی از نخستین فیلمسازان زن ایران، روز دوشنبه ۲۷ مرداد در ۷۵ سالگی درگذشت.

شهرزاد که ۱۸ آذر ۱۳۳۹ در تهران به دنیا آمد از سنین نوجوانی در تئاترهای لاله زار فعالیت داشت و در سال ۱۳۴۸ با فیلم «قیصر» ساخته مسعود کیمیایی وارد سینما شد. او در نقش «سهیلا فردوس» در قیصر و «اقدس» در «دانش آکل» در کنار بهروز وثوقی بازی کرد و به یکی از چهره‌های شاخص سینمای پیش از انقلاب بدل شد. همکاری او با کارگردانانی چون مسعود کیمیایی، علی حاتمی، امیر نادری، کامران شیردل، نصرت کریمی و جلال مقدم، کارنامه‌ای پربار برایش رقم زد.

او در سال ۱۳۵۶ نخستین و تنها فیلم بلند خود با عنوان «مریم و مانی» را با بازی و سرمایه‌گذاری پوری بنایی ساخت؛ اثری که از محدود نمونه‌های سینمای آن دوره بود که نویسنده و کارگردان آن زن بود.

پس از انقلاب ۱۳۵۷، زندگی شهرزاد با چالش‌های متعددی همراه شد. او مدتی به آلمان مهاجرت کرد. اما به ایران بازگشت و سال‌های پایانی عمر خود را با مشکلات مالی و بیماری گذراند. گزارش‌ها حاکی از آن است که او در شهرهایی مانند سیرجان و کرمان زندگی کرد. و حتی دوره‌ای از کارتن خوابی در پارک‌ها سخن گفته بود.

مستند «شهرزاد» ساخته کامران زینت‌بخش، بخشی از تجربیات او را ثبت کرده است. علاوه بر بازیگری، شهرزاد به عنوان شاعر و نویسنده شناخته می‌شد. مجموعه شعر «با تشنگی پیر می‌شویم» از او پیش از انقلاب منتشر شد و داستان‌های کوتاهش در نشریاتی مانند آیندگان و کتاب جمعه به چاپ رسید.

در دیپاچه کتاب «با تشنگی پیر می‌شویم» می‌نویسد: کبرا نام خواهر مرده‌ام بود که شناسنامه‌اش را باطل نکرده بودند و شناسنامه را برای من گذاشتند. مادر مریم صدایم می‌کرد. پدرم زهرا می‌خواندم. زمان رقصدگی شهلا می‌گفتندم. در سینما شهرزاد شدم و حالا زیر شعرهایم می‌نویسند: شهرزاد



یادمان شیوا ارسطویی

ارسطویی فقط ۶۴ سال داشت.

خانم ارسطویی در سال ۱۳۷۲ داستان بلند خود «او را که دیدم زیبا شدم» و در سال ۱۳۷۶ مجموعه داستان «آمده بودم با دخترم چای بخورم» را منتشر کرد. نوع نگاه و پرداخت مدرن داستان‌های او، توجه محافل ادبی را به خود جلب کرد. در هنگام گفتگو با نشریه حقوق زنان، رمان «بی بی شهرزاد» را در دست تدوین داشت.

داستان‌های کوتاه خانم ارسطویی که در حقوق زنان به چاپ رسید عبارتند از: تقسیم (شماره ۶)، هنوز نه... اما بعد... (شماره ۸)، برای پیرزن‌های خودم (شماره ۱۰)، شوک اول (شماره ۱۳)، کفش‌های ما هم کتانی بود (شماره ۱۳)، از جمله داستان‌های کوتاهی بود که در این نشریه به چاپ رسید.

نشریه حقوق زنان درگذشت این نویسنده صاحب نام را به همه علاقه‌مندان حوزه هنر و ادبیات تسلیت می‌گوید. به این امید که در آینده زنان توانمند حوزه ادب و هنر بتوانند در این عرصه به فعالیت مطلوب خود ادامه دهند.

مجله حقوق زنان به جهت وجود اعضای توانمند تحریریه و همکاری که همیشه در جهت پیشبرد این نشریه تلاش می‌کردند، توانست در برهه آغازین به بخش ادبیات و تاریخ حضور زنان در ایران توجه بیشتری نشان دهد. یکی از این موارد گفتگو با نویسنده، مترجم و شاعر خانم شیوا ارسطویی با عنوان «نوشتن علیرغم همه چیز» در نشریه حقوق زنان شماره چهارم شهریور ۱۳۷۷ بود. در این دیدار نویسنده از تجربه‌های عینی و ذهنی خود و نگرش و دیدگاه خود سخن گفت. گفتگویی که از دغدغه‌های زنان علاقه‌مند به هنر و ادبیات نشان داشت. این همکاری با چاپ داستان‌های کوتاه ایشان سالها ادامه یافت. تولد ایشان در اردیبهشت ۱۳۴۰ و متاسفانه ضایعه درگذشت ایشان در تاریخ اردیبهشت ۱۴۰۴ اعلام شد. در حالی که شیوا





گالیا توانگر

نویسنده

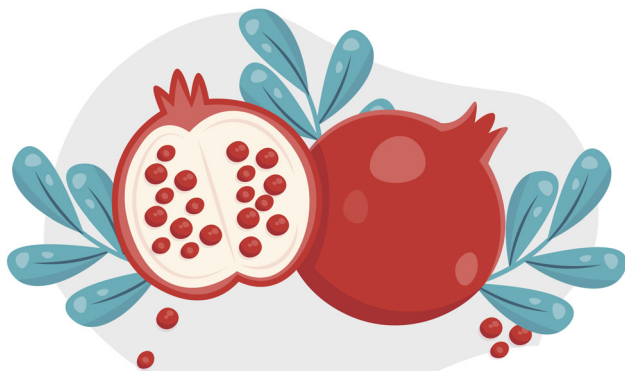
دخترخاله گیسو

مامان بزرگ محبوبه، بابا وحید و مامان خانه را کشیده‌ام. هر کدامشان را با یک رنگ نقاشی کرده‌ام. مامان بزرگ محبوبه را با روسری گل‌دار صورتی، بابا وحید را با شلوار آبی، مامان خانه را با دامن سبز کشیده‌ام؛ اما دخترخاله گیسو را فقط با مداد نقاشی کرده‌ام، بی‌رنگ!

الان روبروی پنجره بزرگ آشپزخانه سمت خیابان نشسته‌ام و دارم درخت جلوی مغازی اصغر آقا را نقاشی می‌کنم. درخت لباس زرد و نارنجی پوشیده و خیلی ناز شده است. گیسو، دخترخاله‌ام را می‌بینم که دست در دست مادرش وارد مغازه اصغر آقا می‌شوند، حتماً

وقتی مامانم با دست‌های قرمز آنارها را دانه می‌کند، یعنی مهر آمده و باید به مدرسه بروم. من مثل بچه‌های دیگر برای نرفتن به مدرسه پا به زمین نمی‌کوبم و گریه نمی‌کنم. مدرسه را دوست دارم، چون می‌توانم با مدارنگی‌هایم نقاشی‌های بیشتری بکشم و ده تا بیست درشت بگیرم. مامان هم برای هر بیست یک نارنگی پوست می‌کند. نارنگی‌ها جایزه‌ام می‌شوند.

قبل از این که مهر بیاید و به مدرسه بروم، در کلاس نقاشی تابستانی، دخترخاله‌ام گیسو،





مامان در اتاق روبرویی نشسته و دارد برای گیسو دامن گل‌دار می‌دوزد. صدای خرخر چرخ خیاطی‌اش تا آشپزخانه می‌آید. آخر فردا تولد گیسو است. همه برایش هدیه‌ای دارند. مامان خانه دامن گل‌دار دوخته است، بابا پول می‌دهد، مامان بزرگ برایش ژاکت بافته و من...؟



وای... من چه کار کنم؟ گیسو که نمی‌تواند نقاشی‌ام را ببیند. حتی پول فلکم چیزی نمی‌شود. آخر هفته‌ی پیش یواشکی اسکناس‌ها را از درز بالای فلکم بیرون کشیدم و با آنها برای خودم یک تی‌شرت با عکس رونالدو خریدم. کاش گیسو هم پسر بود، تی‌شترتم را به او هدیه می‌دادم.

خیلی غصه دارم، اما بابا وحید می‌گوید: «مرد نباید غصه بخورد. باید فکرِ بکر داشته باشد.»

کتانی‌هایم را به پا می‌کنم و بدون این که پلیورم را بپوشم، از خانه بیرون می‌آیم. مامان

می‌خواهد لواشک آنار بخرد که زن اصغر آقا درست کرده و برای فروش به مغازه آورده است.

گیسو رنگ آنار را تا حالا ندیده است، رنگ زرد و نارنجی درخت را هم ندیده، حتی نمی‌تواند روبان‌های سرخی که به موهای مشکی‌اش گره‌زده‌اند را ببیند. فقط همه چیز را مزه می‌کند و یا با انگشتانش نوازش می‌دهد. مثلاً تا اسم لواشک آنار را می‌شنود، آب در دهانش جمع می‌شود و لب‌هایش را غنچه می‌کند.



به هوا می‌پریم. مأمور پارک به سِتم می‌آید و با عصبانیت می‌گوید: «چرا گل‌ها را له می‌کنی پسر؟ بیا بیرون.»

دستم را می‌کشم سمت دو تا قلوه‌سنگ رنگی و آنها را برمی‌دارم و پا به فرار می‌گذارم. به سمت دریاچه‌ی پارک می‌روم. باران نم‌نم می‌بارد و روی سطح دریاچه دایره‌های تودرتو درست می‌کند.

باید چند تا پَر سیاه و سفید مرغابی هم پیدا کنم یا از لباس مرغابی‌ها بکنم. مرغابی‌ها هم مثل من سردشان شده و در اطراف دریاچه، پشت گیاهان و سنگ‌ها پناه گرفته‌اند. خیلی

پشت سرم بلند می‌گوید: «هوا سرد شده، بیا ژاکت را بپوش. کجا می‌روی ارسلان؟»

باید چند تا برگ، چند تا پَر، چند تا میوه‌ی کاج جمع کنم. وقتی برگشتم از مامان هم خرده‌ی پارچه و از مامان بزرگ چند تکه‌ی کاموا می‌گیرم. خیلی خوشحالم. مثل هدیه‌ی من را هیچ کس نمی‌تواند به گیسو بدهد. خودم درستش می‌کنم.

باد سرد می‌خورد توی صورتم، اما دیگر از خانه خیلی دور شده‌ام و نزدیک پارک محله‌مان هستم. اگر برگردم و پلیورم را بردارم، غروب می‌شود و نمی‌توانم برگ و پَر و میوه کاج جمع کنم.

اول سمت کاج‌ها می‌روم. چند تا میوه درشت کاج جمع می‌کنم و در کوله‌ام می‌اندازم. بعد دو تا قلوه‌سنگ رنگی در باغچه‌ی گل‌ها می‌بینم. پایم را که در باغچه می‌گذارم، تا قلوه‌سنگ‌ها را بردارم، از صدای سوت بلندی





یکی از همسایه‌هایمان در حیاطشان عروسی گرفته‌اند. گل‌های آفتاب‌گردان که ماشین عروس را با آنها تزیین کرده‌اند، وسوسه‌ام می‌کنند، ولی مامان همیشه می‌گوید: «برای برداشتن چیزهایی که برای تو نیست، باید اجازه بگیری.»



باران خیلی کمتر شده است. عروس را میان جمعیت به سمت ماشین می‌آورند. موهای عروس مثل موهای دخترخاله‌ام گیسو مشکی است. باید اجازه بگیرم، می‌پریم جلوی عروس کمی از تور آستینش را می‌کشم و می‌گوییم: «اجازه هست یک گل بردارم؟»

عروس می‌خندد و لپم را می‌کشد. می‌گوید: «چه پسر بانمکی! چقدرم یخ‌کرده.» بعد یکی از گل‌های چسبیده به در ماشین را به من می‌دهد.

بزرگند. بالشان را که باز می‌کنند و در هوا می‌چرخانند، ترسناک می‌شوند، ولی چاره‌ای ندارم پرهایشان را لازم دارم. یک مرغابی نسبتاً کوچک‌تر کنار یک سنگ بزرگ کِز کرده است. به سمتش خیز بر می‌دارم، اما دو پا در یک گودال پر از گل و لای می‌افتم. کتانی‌هایم و پاچه‌های شلوارم خیس و گلی می‌شوند. می‌دانم که مامان کلی عصبانی می‌شود، ولی مرغابی بین من و سنگ گیر افتاده است. بال‌هایش را که باز می‌کند، نوک پرهایش به صورتم می‌گیرد. ترس را فراموش کرده‌ام. چنگ می‌زنم به میان پرهایش و چند تا پر سیاه و سفید در دست‌هایم باقی می‌ماند. مرغابی می‌پرد سمت دریاچه و من هم یک پایم در گودال پُر از گل و یک پایم در چمن‌های اطراف دریاچه باقی می‌ماند. خودم را بیرون می‌کشم و زیر رگبار و رعد و برق به سمت خانه می‌دوم.

تازه یادم می‌آید چند تا گل هم لازم دارم. از گل‌های باغچه پارک نمی‌توانم بکنم، چون مأمور پارک سُوت می‌کشد. اصلاً اگر هم سُوت نکشد، نباید گل‌ها را از شاخه چید. درد می‌کشد و می‌میرند.



الان توی اتاقم نشستهام و دارم درستش می‌کنم. کمی لپ‌هایم گل‌انداخته و تب دارم. گاهی سرفه می‌کنم، باین‌حال تمامش می‌کنم. رعد تند می‌زند و برقش از پنجره اتاقم می‌افتد روی هدیه‌ای که درست کرده‌ام. میوه‌های کاج، پرها، قلوه‌سنگ‌ها، خرده پارچه‌ها و نخ‌های کاموا همگی در جای مناسب خود، روی مقوا قرار گرفته‌اند. می‌دانم خوشش می‌آید، وقتی نقاشی را نوازش کند. او با انگشتانش می‌تواند پاییز نقاشی‌ام را ببیند. می‌آیم یا لبه‌ی تیز کاتر نوک مداد سرخ را تیز کنم، کمی انگشتم زخم برمی‌دارد. چند قطره خون روی انار سرخ، میان موهای دختر نقاشی‌ام، می‌افتد. دخترخاله‌ام را بی‌رنگ کشیده‌ام با انار سرخ لای موهای مشک‌اش.

عروسکے با طرح لبخند

گالیا توانگر



لباس یکی‌شان قرمز گوجه‌ای خوش‌رنگ بود و آن چنان لبخند می‌زد که گویی به دنیا می‌خندد. آن یکی نارنجی خوش‌رنگی پوشیده بود و از پشت ویتترین دل هر رهگذری را می‌ربود. جزوه‌هایم را میانه کلاسور از این دست به آن دست جا به جا کردم تا اسکناسی از ته کیفم بیایم. می‌خواستم یکی از عروسک‌ها را برای مهمانی بخرم و به خوابگاه ببرم. این روزها به راه‌های پول درآوردن خیلی فکر می‌کردم مثلاً می‌توانستم مقدمه پایان‌نامه بچه‌ها را بنویسم و یا مطالبشان را ویرایش کنم. می‌توانستم بابت دوخت و دوز لباس بچه‌ها و ترمیم لباس‌هایشان پول بگیرم. اما هیچ‌کدام از این راه‌ها آنقدر پول‌ساز نبود که بتوانم کتاب‌های قطور فلسفه را برای این ترم تحصیلی‌ام خریداری کرده و دست‌وپا کنم. باید به فکر راه‌های بهتر و میانبری می‌بودم.

از کنار باجه روزنامه‌فروشی که گذشتم یک رقم بزرگ صفحه اول چاپ شده بود صد میلیارد تومان اختلاس! صد میلیارد تومان شاید می‌توانست من را فیلسوف قرن تبدیل کند و بنشانند جای ژان ژاک روسو، آنوقت به جای تفکرات تنهایی می‌توانستم قهرمان کتاب قطوری به اسم تفکرات دانشجوی





دردی می‌خورد؟! آدم خوشگلی و پول داشته باشد به همه جا می‌رسد.» ورقه‌هایم را لای کلاسورم چپاندم، یک دست عروسک را با دوبند انگشتم گرفتم و درحالی که بین زمین و آسمان با فاصله از من بود آب‌های تیره از آن چکه می‌کرد تا شیر آب دکه گل‌فروشی کشاندمش. مرد گل‌فروش که با شلنگ جلوی مغازه‌اش را می‌شست آب را با فشار روی صورت عروسک گرفت. گل‌ها شسته شدند و رفتند. یک لحظه احساس کردم این عروسک چقدر شبیه من است! آب‌های راكد كئيف همه اندیشه‌ام را گل‌آلود کرده بودند. می‌خواستم درس را رها کنم و دور از خانواده در تهران دنبال کاری بگردم. می‌توانستم مثل خیلی از بچه‌های خوابگاه زیباییم را به دست باد بسپارم. موهای قهوه‌ای خوشرنگم را از زیر روسری بیرون بریزم.

رژب صورتی خوشرنگی بر لب‌هایم بزنم و خلاصه با زیبایی که به دست باد می‌سپارم در پایتخت از داستان‌های رمانتیک که بازی‌اش می‌کنم پول خوبی به جیب بزنم. هم اتاقی‌ام

میلیارد قرن بشوم. پایم به جوی آب روبرویی گرفت و فکرهایم مثل قایقی در میانه آب‌های تیره شروع به غرق شدن کرد. عروسک لباس قرمز با جریان آب میانه جوی آرام به آسمان بالایی نگاه می‌کرد و می‌رفت. سریع دست‌هایش را گرفتم و بیرون کشیدم. نقطه به نقطه گل‌های قهوه‌ای کثیفی بر لباس سرخ رنگش نشسته بود. با عصبانیت گفتم: «آه... به خشکی شانس!»

می‌خواستم با خودم به خوابگاه ببرمش تا الگویی برای حرکت جدید پول‌سازی‌ام شود. این عروسک‌ها به تازگی مُد شده بودند. از جنس جوراب‌های زنانه که درونش را با الیاف پر می‌کردند، ساخته می‌شدند. دست به جیب‌هایم بردم تا ببینم اسکناس دیگری هست تا یک نمونه دیگری بخرم، اما جیبم همیشه پر از خالی بود. یک لحظه تصویر هم‌کلاسی‌هایم از جلوی چشم‌هایم گذشت. آنها همیشه می‌گفتند: «درس خواندن به چه



و لعابی باشند تا اینکه دیشب مرجان را دیدم. در شب تولدش سرش را آرام زیر بالش برده بود و می‌گریست. او زیباترین و پولدارترین دختر خوابگاه است. این عروسک را می‌خواستم به او بدهم که خوشحالش کنم یا اصلا خودم نمونه‌هایش را بسازم و بین بچه‌های خوابگاه بفروشم. مردم در هر سنی که باشند لیخندهای نداشته‌شان را در صورت عروسک‌ها جستجو می‌کنند. مرجان به تازگی از رابطه رمانتیکی بیرون کشیده بود که شاید از ابتدا هم چندان رمانتیک نبود. حالا لبخند عروسکم بهتر دیده می‌شد. کمی فشارش دادم و چلاندمش. آخرین قطرات آب‌های تیره نیز از جسمش بیرون رفت. کمی جلوتر از بساط پیرزن جورابفروش دوجین جوراب‌های زنانه خریدم تا امشب دوازده تا عروسک به شکل رویاهای خوشم بسازم و بین بچه‌های خوابگاه قسمت کنم. کسی چه می‌داند شاید این عروسک‌ها مرا به عشق‌های واقعی یا جیب‌های پر پول برسانند.

یکی از این بازیگران داستان‌های رمانتیک شده بود. ولنتاین که می‌شد دسته گل و خرس برایش می‌فرستاد. اما من حتی آن وقت‌ها که کوچکتر بودم باید سه سال پشت سر هم شاگرد اول می‌شدم تا می‌توانستم عروسک زیبای پشت ویتترین را داشته باشم. حالا که دیگر هیچکس سراغی از من نمی‌گیرد. حتی در کارهای جمعی خوابگاه چون کمتر می‌توانستم سهمی بگذارم بچه‌ها دیگر سراغم نمی‌آمدند و برای مهمانی‌ها و تولدشان من را به اتاق خود مهمان نمی‌کردند.

عروسک جورابی با آب شلنگ کاملاً شسته شد و گل‌هایش پاک شده بود. من همیشه دنبال پرش قطرات آب، شستن گل‌ها و داشتن عروسک‌های معصوم لیخند به لب بودم. قبلاً خیال می‌کردم هم‌اتاقی‌هایم چقدر شادند. ولنتاین‌ها کسی به یادشان است. پدرشان هرچه قدر که بخواهند پول برایشان می‌فرستند و آنها همواره می‌توانند بازیگر داستان‌های رمانتیک خوش رنگ





لیلا صادقی

مترجم عربی

الملخص

يختص هذا العدد من المجلَّة لحقوق الأطفال، ذلك الجيل الذي ينبغي أن يعدَّ له برنامج لحياته وغد أفضل يُرسم له، والذي حظى بعناية خاصة ومميَّزة. إنَّ مستقبل هذا الوطن بين يدي الجيل القادم. فعلى أن نعتبر من الماضي، ولأجل استقلال وطننا وحرّيته، ينبغي أن يرثي جيل ينظر إلى المستقبل وهو يستفيد من حياته الراهنة، بحيث تكون قراراته باعثة للأمل في هذه الأرض. ولا شك أن جميع قضايا الأطفال لا يمكن أن تدرج في هذا المجموع، ولذلك طرحت بعض الضروريات فقط. على أمل أن نتّمكن في المستقبل القريب من التوسّع أكثر في معالجة حقوق هؤلاء الأعزاء.





تحت عنوان قانون حماية الأطفال واليافعين، وذلك بعد رفع ملاحظات متكررة من مجلس صيانة الدستور.

إنَّ القانون الحاضر باعتباره قانوناً في مجال حماية الأطفال، يتضمَّن نقاطاً جديدةً بالتأمل يمكن أن تؤدي عملياً إلى تحسين أوضاع الأطفال، غير أنَّ التغييرات التي أدخلت أثناء مسار إقرار المشروع قد أوجدت تحديات أمام فاعليته القانون الجديد. ولا سيما أنَّ إيذاء الأطفال بعد ظاهرة خطيرة ومتعددة الأبعاد، قادرة على ترك آثار عميقة في الطفل والأسرة. وتشمل الأبعاد الرئيسة لهذه الظاهرة: الجسدية، العاطفية، الجنسية، الاجتماعية، والتعليمية. وبالتالي، فإنَّ حماية الأطفال واليافعين في المجتمع لا تتطلب دعم المشرع فحسب، بل تحتاج أيضاً إلى مساندة المؤسسات الحكومية والثقافية وجميع أفراد المجتمع.

إنَّ قانون حماية الأطفال واليافعين المصادق عليه عام ٢٠٢٠م (١٣٩٩هـ) يواجه تحديات وإشكالات على مستوى التنفيذ والتطبيق العملي، الأمر الذي يستدعي دراسته دقيقة. وتتناول هذه المقالة تحليل هذا القانون ونقده في ضوء جوانبه المختلفة، كما سشير إلى المصادر المتوفرة في مجال حقوق الطفل. وفي البداية، ومن أجل فهم أفضل لقانون

نظرة إلى قانون حماية الطفل واليافع في إيران

إنَّ قانون حماية الأطفال واليافعين لعام ٢٠٠٢م (١٣٨١ هـ) كان أول قانون خُصص لمعالجة مسألة إيذاء الأطفال. فقد صنَّف هذا القانون الإيذات الجسدية والنفسية والجنسية التي تلحق بالطفل بشكل مستقل تحت عنوان "إيذاء الطفل" وعدها جريمة، غير أنَّ نقاط الضعف في قانون عام ٢٠٠٢م / ١٣٨١ هـ في مجال حماية الأطفال ظهرت تدريجياً مع مرور الوقت.

وبالنظر إلى تلك الثغرات في القوانين السابقة، فقد أنجز إعداد مشروع قانون حماية الأطفال واليافعين في السلطة القضائية عام ٢٠٠٧م (١٣٨٦ هـ)، ثم أرسل المشروع في العام نفسه إلى الحكومة. غير أنَّ الحكومة قامت - بعد نحو ثلاث سنوات من التأخير - بإرسال المشروع إلى مجلس الشورى الإسلامي عام ٢٠١١م (١٣٩٠ هـ) بعد إدخال بعض التعديلات عليه. وأخيراً، وبعد تسع سنوات، وبفعل الضغوط الاجتماعية، صادق مجلس الشورى الإسلامي على المشروع بتاريخ ٢ حزيران/يونيو ٢٠٢٠م (١٣٩٩/٠٣/١٣ هـ).



مقترحات لتحسين أوضاع هؤلاء الأطفال في المجتمع. يواجه الأطفال المحرومون بصورة منهجية عوائق متعددة في الوصول إلى حقوقهم الإنسانية الأساسية، وتشمل هذه الحقوق: التغذية الملائمة، والسكن، والتعليم، والرعاية الصحية، وحق المشاركة، وحق النمو والتطور، وحق البقاء. وقد أعدت هذه المقالة الدكتورة فاطمة جعفرى، عضو هيئة التدريس في الجامعة.

نقد ودراسة مذكرة التفاهم بين وزارة التربية والتعليم وقوى الأمن الداخلى للجمهورية الإسلامية الإيرانية مع التأكيد على حقوق الطفل ومتطلبات اتفاقية حقوق الطفل الدولية

وُقعت مذكرة التفاهم الأخيرة بين وزارة التربية والتعليم وقوى الأمن الداخلى في إيران بهدف "تعزيز النظام الاجتماعى، والوقاية من الأضرار الاجتماعية، وتقوية أمن المدارس". ورغم أن هذه الأهداف تُعد في ظاهرها إيجابية، إلا أن ثمة مخاوف جدية بشأن طبيعة المذكرة، وآليات تنفيذها، وتداعياتها. تستند هذه المقالة إلى مواد اتفاقية حقوق الطفل لعام ١٩٨٩ وآراء الخبراء التربويين، حيث تتناول نقد محتوى هذه المذكرة وتقديم مقترحات بديلة. وقد أعدت دراسة النقد والمقترحات البديلة لهذه المذكرة مع شروح موثقة على ضوء النصوص القانونية لاتفاقية حقوق الطفل، من قبل محمد حسين مقيمى، خريج دراسات حقوق الإنسان. يرجى مطالعة التفاصيل الكاملة للنقد والمقترحات في القسم الفارسى من المجلة. يرجى مطالعة التفاصيل الكاملة للنقد والمقترحات في القسم الفارسى من المجلة.

حماية الأطفال واليا فعين لعام ٢٠٢٠م/ ١٣٩٩هـ، من الضرورى أن نبحث فى نقاط قوة هذا القانون، ثم نشرح بعد ذلك نواقصه بهدف الحد من نقاط ضعفه. وتقوم هذه المقالة، إلى جانب تعداد المزايا والعيوب لهذا القانون، برسم الآليات اللازمة لتقليل وقوع الحوادث التى قد يتعرض لها الأطفال. كاتبة هذه المقالة هى السيدة آرزو عزيزى، محامية لدى نقابة المحامين.

حقوق الأطفال المحرومين فى مهنة الخدمة الاجتماعية: التحديات والحلول

الفردى فى الإطار الاجتماعى وعلى رفاه المجتمع، دوراً مهماً فى تحسين ظروف معيشة الأفراد المعرضين للخطر. ويقوم أساس الخدمة الاجتماعية على الاهتمام بالأساليب والظروف البيئية التى تُنتج المشكلات الاجتماعية والفردية وتشارك فى تكوينها. وفى هذا السياق، تُعد دراسة حقوق الأطفال المحرومين من القضايا الأساسية ذات الأهمية الخاصة فى مجال السياسات الاجتماعية وحماية حقوق الأطفال المعرضين للخطر. فالأطفال المحرومون، ولا سيما أولئك الذين يعيشون فى ظروف الفقر أو انعدام الرعاية الأسرية أو التمييز، يواجهون بدرجة كبيرة خطر الإهمال، وسوء المعاملة، والاستغلال، والإقصاء الاجتماعى. تمتلك الخدمة الاجتماعية، بوصفها مهنة ملتزمة بمبادئ العدالة الاجتماعية وحقوق الإنسان، موقفاً فريداً للتدخل والدفاع عن هذه الفئات الضعيفة.

وقد كتبت هذه المقالة بغرض دراسة الحقوق الأساسية للأطفال المحرومين، وتحليل الوضع الراهن لاستجابات العمل الاجتماعى تجاه هذه الحقوق، وتقديم



بلا شك... لأننى أؤمن بأن التعليم مهنة الأنبياء. وأخيراً، ومن أجل بلوغ هذا الهدف السامى، التحقْتُ بجهاز التربية والتعليم للعشائر في محافظة سيستان وبلوشستان. واليوم أقدم مقالاً بعنوان: "التعليم المتخصص لأطفال العشائر في محافظة سيستان وبلوشستان"، أتناول فيه تحليل التحديات والحلول التعليمية المختلفة لهذه الفئة من المجتمع.

محافظة سيستان وبلوشستان هي واحدة من المناطق المتميّزة والفريدة في إيران، وتشتهر بخصائصها الجغرافية والثقافية الخاصة. ومن أبرز الفئات الاجتماعية في هذه المحافظة العشائر، التي تشكل جزءاً كبيراً من السكان. يعيش هؤلاء العشائر في مناطق مختلفة من المحافظة، بما في ذلك المناطق الجبلية والصحراوية والسهلية، ويعتمدون على الطرق التقليدية ورعى المواشى في كسب رزقهم، وينقسمون إلى مجموعتين رئيسيتين: عشائر البلوش وعشائر السيستانى.

يواجه تعليم أطفال العشائر في هذه المحافظة العديد من التحديات التي تتطلب اهتماماً أساسياً، كما أن التشتت السكاني للمجتمع العشائري في المحافظة يؤثر على سير عملية التعليم لهذه الفئة من الأطفال. هنا نستعرض بعض الخصائص والتحديات والحلول المقترحة لتحسين الوضع التعليمي لهم.

وقد أعدت هذا التقرير السيدة شيرين أرباب بكس، المعلمة النموذجية للعشائر في المحافظة لعام ١٤٠٤/م ٢٠٢٥ هـ، وحاصلة على درجة الماجستير في علم النفس الإكلينيكي.



ضرورة تعليم الأطفال قضايا البيئة: الأسباب، الكيفية، والآثار بعيدة المدى

تشكل البيئة، بوصفها وعاء حياة الإنسان وسائر الكائنات الحيّة، اليوم تحديات غير مسبوقة مثل التغيرات المناخية، والتلوثات الواسعة، وتدهور الموارد الطبيعية. وفي هذا السياق، فإن تعليم البيئة للأطفال ليس خياراً بل ضرورة لا يمكن إنكارها لضمان مستقبل مستدام. ووفقاً لتقرير اليونسكو (١٢٠٢)، فإن التربية البيئية في سن مبكرة قادرة على تشكيل الأسس السلوكية والمعرفية للأطفال بطريقته تجعلهم في مرحلة البلوغ مواطنين مسؤولين وواعين بالقضايا البيئية^(١). تتناول هذه المقالة، من خلال دراسة الأبعاد النفسية والاجتماعية والاقتصادية، ضرورة تعليم الأطفال قضايا البيئة.

وقد كتبت هذه المقالة المهندسة مليحة فلاح بور، الماجستير في علوم البيئة.

التعليم المتخصص لأطفال العشائر في محافظة سيستان وبلوشستان

أنا معلم من أبناء العشائر. وبعد خمسة عشر عاماً من الخبرة القيّمة في التدريس بمدرسة أهلية كنتُ مؤسّسها، تعرّفتُ على فريق جهادى كان شغله الشاغل إدخال الفرح واللعب إلى قلوب أطفال القرى النائية وأطراف المدن.

وبمرافقة هذا الفريق، قضيتُ عطل الأعياد والصيف في تعليم الأطفال العاملين وأطفال الرعاية الاجتماعية وأطفال القرى البعيدة، بُغية محو أميتهم وتقدير تعليم متميز بالمتعة، بعيداً عن أى تمييز في العمر أو الجنس. وكان تخصيصى لهذا الوقت ذا فائدة كبيرة لى شخصياً... إذ رأيت نفسى في مسار النمو والانتقال من مجرد كوني يشاراً إلى مرتبة الانسانية، ومن ثم إلى أن أكون إنساناً كاملاً؛ وهو طريق طويل



I presents this paper, entitled “Specialized Education for Nomadic Children in Sistan and Baluchestan”, and analyzes the diverse challenges and strategies related to educating this group of the society.

Sistan and Baluchestan, one of Iran’s most unique provinces, is distinguished by its special geographical and cultural properties. Among its significant social groups are nomadic populations, who comprise a substantial portion of its residents. These nomads—divided mainly into Baluchi and Sistani groups—live in different regions, including mountainous, desert, and plain regions, relying

on traditional methods and animal husbandry for their livelihoods.

The education of nomadic children in this province faces numerous challenges requiring substantial attention. The wide dispersal of nomadic communities across this territory affects their educational process. The present paper reviews some characteristics, challenges, and strategies for improving the educational conditions of these children.

The paper is authored by Ms. Shirin Arbab-Bikas, distinguished nomadic teacher of the province (2025) and M.A. in Clinical Psychology.





• The Necessity of Environmental Education for Children: Reasons, Methodologies, and Long-Term Implications

The environment, as the foundation of life for human beings and all living organisms, faces unprecedented challenges today, including climate change, widespread pollution, and the degradation of natural resources. Meanwhile, environmental education for children is not merely optional but an undeniable necessity for ensuring a sustainable future. According to a report by UNESCO (2021), early environmental education can shape the behavioral and cognitive foundations of children, preparing them to become responsible and engaged citizens in adulthood. By exploring the psychological, social, and economic dimensions of environmental education, the paper addresses its necessity for children.

The paper is authored by Ms. Maliheh Fallahpour, M.Sc. in Environmental Studies.

• Specialized Education for Nomadic Children in Sistan and Baluchestan Province

I am a nomadic school teacher. After fifteen years of valuable teaching experience at a private school that I founded myself, I became acquainted with a volunteer group whose mission was to bring play and joy to children in remote and marginalized villages.

With this group, I devoted my Nowruz and summer holidays to literacy programs and enjoyable educational activities for working children, children in welfare centers, and children in remote villages—regardless of their age or gender. This investment of time was deeply rewarding for me; I perceived it as a path of growth—an evolution from mere existence toward humanity, and ultimately toward becoming truly human; a really long journey. My reason for doing so is my belief that teaching is the vocation of the prophets.

In pursuit of this higher purpose, I eventually joined the Department of Education for Nomadic Populations in Sistan and Baluchestan Province. Now



children—particularly those living in poverty, without guardianship, or under conditions of discrimination—face heightened risks of neglect, abuse, exploitation, and social exclusion.

Social work, as a profession committed to the principles of social justice and human rights, has a unique position to intervene on behalf of and to advocate for these vulnerable groups. The purpose of this paper is to examine the fundamental rights of poorly-resourced children, to analyze the current responses of social work to these rights, and to propose measures aimed at improving the conditions of these children within society. Poorly-resourced children systematically encounter different barriers to accessing their basic human rights, including adequate nutrition, housing, education, healthcare, and the right to participation, growth, development, and survival.

The paper is authored by Dr. Fatemeh Jafari, faculty member at the university.

•A Critical Review of the Memorandum of Understanding between the Ministry of Education and the Police Command of the Islamic Republic of Iran, with Emphasis on Children's Rights and the Obligations of the UN Convention on the Rights of the Child

The recent memorandum of understanding between Iran's Ministry of Education and the Police Command was signed with the goal of "promoting social order, preventing social harms, and strengthening school security." While these objectives may appear positive, serious concerns remain regarding the nature, implementation, and consequences of the agreement. Drawing upon the provisions of the Convention on the Rights of the Child (1989) and the perspectives of educational experts, this paper criticizes the content of the memorandum and offers alternative proposals. The content criticism and alternative recommendations are substantiated with reference to the provisions of the Convention on the Rights of the Child.

The paper is authored by Mohammad Hossein Moghimi, a graduate in Human Rights. For the complete version of the criticisms and proposals refer to the Persian section of the journal.





legislator's support but also the support of governmental and cultural organizations and all the people of the society.

The Law on the Protection of Children and Adolescents (2020) faces significant challenges in terms of enforcement and implementation, which demand careful examination. This paper undertakes a critical analysis of the law by considering its different aspects, and addresses existing resources within the field of children's rights. To facilitate a better understanding of the 2020 law, the paper first identifies its positive contributions, and then considers its shortcomings in order to highlight deficiencies requiring reform. In doing so, it outlines mechanisms aimed at reducing harm to children.

The paper is authored by Ms. Arezou Azizi, attorney-at-law.

•The Rights of Poorly-resourced Children in Social Work: Challenges and Strategies

The central mission of the social work profession is to promote human welfare and to assist in meeting the needs of all vulnerable, oppressed, and impoverished individuals. By emphasizing personal welfare within a social framework and society's welfare, this profession plays a crucial role in improving the living conditions of at-risk population. At its foundation, social work aims to focus on environmental conditions that generate and sustain both social and individual problems. Within this framework, one of the most important basic issues in social policy and protecting the rights of vulnerable children is the study of the rights of poorly-resourced children. Poorly-resourced





•A Review of the Law on the Protection of Children and Adolescents in Iran

The Law on the Protection of Children and Adolescents (2002) was the first legal instrument to especially address the issue of child abuse. This law criminalized physical, psychological, and sexual abuse of children as child abuse. Nevertheless, over time, the deficiencies of the 2002 law in providing protection for children became evident. In 2007, the Judiciary drafted a Bill on the Protection of Children and Adolescents in light of the deficiencies of previous law and transmitted it to the government. After nearly three years of delay, the government submitted a revised version of the bill to the Islamic Consultative Assembly in 2011. At last, after nine years and

following the social pressures, the Guardian Council revised the Law on the Protection of Children and Adolescents several times and enacted it on June 2, 2020.

The present law on the protection of children contains noteworthy points that, in practice, have the potential to improve the situation of children. Nevertheless, the imposed changes during the legislative process have created challenges to the effectiveness of the new law. This concern is particularly significant given that child abuse is a serious and multidimensional phenomenon with profound consequences for both children and their families. The main dimensions of this issue are physical, emotional, sexual, social, and educational. Therefore, protection of children and adolescents requires not only





زهرا داورنی

مترجم انگلیسی

Abstract

This issue of the Women's Rights Journal is devoted to children and special attention is given to this generation for whom a plan for life and a better future must be formulated. The future of this country rests in their hands. Learning from the past, it is imperative for the independence and freedom of our country to cultivate a generation that, while enjoying their present life, remains forward-looking, so that their choices may nurture hope within society. Inevitably, this volume cannot encompass all the issues related to children; thus, only a part of essential concerns is addressed. We hope that in future more attention will be devoted to the rights of these young individuals.



برگ اشتراک حقوق زنان

شماره اشتراک:

نام: نام خانوادگی: سن: تحصیلات:
شغل: تلفن:
نشانی/ صندوق پستی:

به پیوست فیش بانکی به شماره ی
بابت بهای اشتراک نشریه ی حقوق زنان (برای ۴ شماره) فرستاده می شود.
خواهشمند است مجله را برای شماره به نشانی بالا بفرستید.

برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و کد پستی را حتما یادداشت کنید.

بهای اشتراک را به حساب جاری شماره (۰۱۰۸۳۳۸۹۰۶۰۰۵) بانک ملی ایران شعبه ی امیرآباد (کد ۱۲۸) به نام اشرف
گرامی زادگان پرداخت نمایید و از طریق ایمیل یا واتساپ به شماره ۰۹۱۲۱۳۰۲۷۷۵ ارسال نمایید.
لطفا کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

بهای اشتراک برای هر شماره نشریه مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (۲۰۰ هزار تومان) است.

در صورت هرگونه تغییر در نشانی، دفتر مجله را آگاه کنید.

ایمیل نشریه: h_q_zanan@yahoo.com

ایمیل پشتیبان: gramizadehgan@yahoo.com

سایت نشریه: www.hqzanan.org

علاقه مندان اشتراک نشریه در خارج از کشور از طریق دوستان و خویشاوندان خود در ایران اقدام کنند.